

امنیت قضایی، قانونیت، آزادی



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۷
دوشنبه ۳ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۵ محرم ۱۴۰۱، ۱۵ ریل

برای همه وفاداران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

دشمن متجاوز در اکثر
جبهه‌ها ابتکار عمل را از
دست داده است

● رزمندگان انقلاب در تمام جبهه‌ها تلفات سنگینی به تجاوزگران صدامی وارد آوردند.

مدافعان انقلاب دلیرانه نبرد علیه متجاوزین صدامی را ادامه می‌دهند.
صدای جمهوری اسلامی ایران دیروز گزارش داد که کوشش متجاوزین برای حمله گسترده به شهر بقیه در صفحه ۷

وقلم و مطبوعات و اجتماعات و احزاب و سندیکاها و... در یک جامعه مستقل، آزاد، سالم، زنده و سازنده هستیم، زیرا که نه فقط تامین و تضمین امنیت قضایی، قانونیت و آزادی را برای رشد و تکامل جامعه نوین انقلابی ایران ضرور میدانیم، بلکه بشهادت بقیه در صفحه ۷

سیاسی در جامعه ما قرار گرفته است.
در آنچه که مربوط به ماست، باید با تأکید و صراحت بگوئیم که ما از صادق‌ترین و سرسخت‌ترین و اصولی‌ترین و بیگترین طرفداران امنیت قضایی، قانونیت و آزادیهای فردی و اجتماعی (آزادیهای دموکراتیک: آزادی بیان

در پی حوادث روزهای اخیر، باردیگر مسائلی از قبیل «امنیت قضایی»، «قانونیت»، «بحث آزاد»، «آزادی بیان»، «آزادی مطبوعات»، «امکان اظهار نظر آزاد» و انواع مطالب دیگر در این زمینه، مورد بحث محافل اجتماعی و

تا متجاوز در خاک ماست، مذاکره ممکن نیست

و از این منظره‌سازی، برای تحکیم مواضع متزلزل خود و رژیمهای طاغوتی منطقه بهره‌برداری کند.

حفظ وضع موجود، برخلاف واقع، خود را بعنوان «پیروز» و کشور ما را بعنوان «شکست خورده» به مردم عراق و جهان معرفی کند

جهانی، بسرکردگی امریکا و امیال توسعه طلبانه خود را بمورد اجرا بگذارد. هدف مقدم صدام اینست که با اعلام آتش‌بس با

های زیادی دارد، مسئله را از روزی به روز دیگر و از سالی به سال دیگر محول کند و در خلال این مدت نقشه‌های امپریالیسم

بدین جهت دولت جمهوری اسلامی ایران حق دارد که میگوید: تا یک نفر متجاوز در خاک ایران باقی است و تا آثار تجاوز رفع نشده، مردم ایران دست از نبرد علیه مهاجمان صدامی بر نخواهد داشت.

آقای محمدعلی رجایی نخست وزیر در مصاحبه اخیر خود بار دیگر تأکید کرده‌اند که: «من با آمدن آقای پالعه هیچ تغییری در جنگ تصییم. همان طور که بارها گفته‌ام، جنگ را ما بخاطر دفاع از کشور ادامه می‌دهیم و این برادران و خواهران رزمنده ما هستند که در خوزستان قرارداد ترک مخاصمه را امضا خواهند کرد و نه آقای پالعه و مجامع بین‌المللی».

آتش‌بس در حالیکه اشغالگران در خاک مین مستقل و آزاد ما هستند و مذاکره در زیر زنجیر تسانکها و غرض توپها، نمی‌تواند مورد پذیرش یک نظام انقلابی متکی بر خلق باشد. تا متجاوز در خاک ماست، مذاکره ممکن نیست. ما این موضع درست را در رد آتش‌بس آنچنانی اتخاذ کرده‌ایم و سیر حوادث در جبهه‌های نبرد نیز به همت خلق قهرمان، بسود کشور ما در حال تحول است. اکنون بر مسئولان کشور است که در چنین شرایط مساعدی برای بکرمی نشانیدن موضع درست و عادلانه جمهوری اسلامی ایران، یعنی برای منکوب ساختن رژیم جانی صدام، امکانات داخلی و بین‌المللی انقلاب را با قاطعیت و نظم و روشن بینی بیشتری تجویز کنند و بکار بینند.

کدام «مردم» روزانه در صفحات خود منعکس می‌کند و یا رفیق گرامی ما کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در «پرسش‌ها و پاسخها» ارائه می‌دهد، تبلور مشخص همین خط مشی است. از ویژگیهای حزب ما در دوران، اخیر وحدت نظر کامل در رهبری تهنادریست. بلکه در مسائل تشکیلاتی و نه تنها در رهبری، بلکه در تمام بدنه حزب است. از آن گذشته، اینچنان، که خود از بنیادگزاران این حزب هستیم، به این وحدت و انسجام دلپسندی حیاتی و تعهد اخلاقی معنوی مادام‌العمری داریم. من اطمینان دارم که حتی بدون این توضیح، کسانی که از دور و نزدیک با من آشنائی دارند، مطلب را بهین‌نحوه فهمند و امیدوارم افرادی که با حزب ما مخالفت سیاسی دارند، در این جاده‌های مشکوک و بی‌سراجم گام نکند. زیرا نه از جهت واقعیت و نه از جهت اندیشه روشن پسندیده‌ای نیست.

رفیق طبری: همانطور که بیان داشتید، مطلب کاملا روشن است و محل کمترین ابهامی نیست. اینچنان بهرگاه دیگر رفا، از تنظیم کنندگان مشی کنونی سیاسی حزب در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستیم و آنچه

عواقب آتش‌بس با حفظ موضع موجود را تصور کنید. فاجعه فلسطین، که سی و چند سال است یک خلق ستمدیده اسیر ظلم و جنگ و مذاکره گشته، بصورت دیگر تکرار خواهد شد. اگر جنگ رژیم صدام علیه کشور ما واقعا فقط بخاطر چند کیلومتر خاک می‌بود، میشد حتی با وضع موجود، در پشت میز مذاکرات نشست. ولی صدام جنایتکار می‌خواهد از حربه «آتش‌بس» و «مذاکرات» هم برای پیشبرد هدف اصلی امپریالیسم آمریکا که سرانداختن جمهوری اسلامی ایرانست، استفاده کند. می‌خواهد بمنزوان «آتش‌بس» حساسترین و زرخیزترین مناطق کشور ما را تحت اشغال خود نگاه دارد و آنگاه به کمک انواع «کنفرانسها» و «کمیسیونها» و «میانه‌جی‌گری‌های کذائی» که در دنیای امروز نمونه

در زمینه آتش‌بس سئوال شد، آقای نخست‌وزیر گفتند: «مطلقا نمی‌پذیریم».

برای بی‌بردن آگاهانه به صحت این موضع دولت جمهوری اسلامی ایران، باید به خصلت جنگی که رژیم جنایتکار صدام بر ما تحمیل کرده، بروشنی بی‌بیریم. این جنگ، فقط جنگ شخصی صدام و حتی رژیم صدام نیست. این جنگ سر تا سر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امریکا است. هدف این جنگ هم چند کیلومتر خاک و یا چند پیمانه و گذرگاه هم نیست. هدف این جنگ از بین بردن جمهوری اسلامی ایران و بازگرداندن ایران به زیر یوغ امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهگان امریکای طاغوتیان ایرانی است.

رفیق احسان طبری به پرسش نامه «مردم» پاسخ میدهد

نامه «مردم» از رفیق ارجمند ما احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، پرسشی کرده است که پاسخ آنرا در زیر می‌خوانید:

نامه «مردم»: از جانب برخی محافل مخالف حزب ما، هرچندی یکبار شایعاتی پخش می‌شود حاکی از آنکه گویا آن رفیق ارجمند در زمینه مشی حزب اخلاف نظری با رفقای دیگر دارند، با آنکه مطلب برای ما کاملا روشن است و محل کمترین تردید یا ابهامی نیست، تنه‌ای آنکه مبدا این شایعات، که به قصد تضعیف حزب ما گفته میشود در اذهان بی‌خبر اثری باقی بگذارد تقاضا داریم نظر خود را در این باره بیان کنید.

رفیق طبری: همانطور که بیان داشتید، مطلب کاملا روشن است و محل کمترین ابهامی نیست. اینچنان بهرگاه دیگر رفا، از تنظیم کنندگان مشی کنونی سیاسی حزب در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستیم و آنچه

پیروزی بر رژیم جنایتکار صدام، در واقع ادامه انقلاب بزرگ ایران، یعنی ادامه پیروزی بر امریکای غارتگر است.

عربستان سعودی به رژیم جنایتکار صدام حسین در جنگ تجاوز کارانه علیه جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند

در صفحات بعد

ضرورت تغییرات بنیادی در بودجه و مالیاتها

صفحه ۴

توطئه جدید ضد انقلابی شود المها:

تخریب کشتزارها و شخم مزارع زیر کشت

صفحه ۵

در ایران باشد، پشتیبانی میکند و خود آماده شرکت مستقیم در این توطئه‌هاست.

اتخاذ اینگونه مواضع خصمانه از جانب رژیم ضد خلقی عربستان سعودی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران امریست طبیعی و انکاره آن بازتابی است از ماهیت رژیم که بر مردم ستمدیده این کشور حکومت میکند. مسلم است که پیروزی انقلاب ایران و ثبات و استحکام دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در کشور ما و نیز تأثراتی که این انقلاب بر جنبشهای انقلابی و خلقهای زیر ستم این منطقه خواهد داشت، عرصه غارتگری و حکمرانی جا برانه رژیمهای ضد خلقی و وابسته مانند رژیم عربستان سعودی، سلطان قابوس در عمان، ملک حسین در اردن، ضیاءالحق در پاکستان و دیگر رژیمهای وابسته در این منطقه را تنگ خواهد کرد. ازینروست که همه سر-سیردگان امپریالیسم امریکا در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به جبهه متحد توطئه و تحریکات امپریالیستی می‌پیوندند و تمام امکانات خود را برای اجرای طرحهای توطئه‌گرانه و تجاوزی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار امپریالیسم امریکا قرار می‌دهند.

طبق گزارش‌های منتشره از جانب خبرگزاریها، رژیم عربستان سعودی به کشتیهای خارجی که به مقصد عراق اسلحه و تجهیزات نظامی حمل میکنند، اجازه داده است که در بنادر عربستان سعودی محمولات خود را تخلیه کنند، تا از این بنادر بوسیله کامیون به اردن حمل شود و از آن طریق به عراق ارسال گردد. برابر گزارش‌های منتشره در مطبوعات، در حال حاضر دوازده کشتی باری در یکی از بنادر عربستان سعودی، واقع در ساحل دریای سرخ مشغول بار-اندازی کالاهائی هستند که به عراق حمل خواهند شد.

این عمل رژیم ضد خلقی عربستان سعودی بار دیگر مواضع خصمانه این رژیم وابسته به امریکا را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با وضوح روشن میسازد.

عربستان سعودی نخستین کشوری است که بلافاصله پس از تجاوز نظامی خائانه دارو دسته جنایتکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، پشتیبانی خود را از این تجاوز و رژیم صدام ابراز داشت و آمادگی خود را برای هرگونه کمک به دارو دسته صدام حسین اعلام کرد. عربستان سعودی با این سیاست خائانه نشان داد که به تبعیت از طرحهای توطئه‌گرانه امپریالیسم امریکا، از هرگونه اقدام و عملی که هدفش تضعیف و نهایتا براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

غلت جرئت کردن صدام به آغاز این جنگ هم، آنچنان که بعضی‌ها می‌گویند، فقط این نبوده است که صدام جمهوری اسلامی ایران را ضعیف پنداشته است. درست است که صدام چنین تصوراتی داشته، ولی امید عمده آن نه به ضعف ایران، بلکه به قوت‌یاری امپریالیسم جهانی و رژیم‌های مرتجع منطقه از سوئی و منفر دستاختن ایران در جهان از سوی دیگر بوده است.

باید قبول کرد که ما اگر چند برابر حالا هم نیرومند می‌بودیم، تهاجم علیه کشور ما از برنامہ امپریالیسم امریکای حذف نمی‌شد. درست بهین جهت است که پس از پیروزی ما بر رژیم صدام نیز، خطر تهاجمات دیگر امریکا به اشکال مختلف، همچنان بجای خود باقی خواهد بود.

بقیه در صفحه ۸

دانشجویان ایرانی مقیم خارج و خروج میلیاردها دلار از کشور

چندین ماه از موعد سنتی بازگشایی دانشگاهها سپری شده است. فعالیت هیئت‌مأمور انقلاب فرهنگی، بعلت جنگ تحمیلی، به کندی گرائیده و نویدی از بازگشایی دانشگاهها در زمان نزدیک نمیدهد.

تصمیم به تعطیل دانشگاهها موجب شد که عده‌ای از داوطلبان تحصیلات عالی و جمعی از دانشجویان دانشگاههای ایران، که از خانواده‌های مرفه بودند، با تهیه گذرنامه و خواب شبانه پست در این یا آن سفارتخانه خارجی بمنظور دریافت ویزا، بسر طریق ممکن، از راه هوا و زمین و دریا، راهی خارج شوند. آنها که مانده‌اند و هنوز در هوای تحصیلات عالی چشم به تسمیلات هیئت مأمور انقلاب فرهنگی دارند، فرزندان خانواده‌های کم درآمد و زحمتکش هستند، که یا در جبهه‌ها می‌جنگند و یا در نهادهای انقلاب فعالند و یا رانده از این و مانده از آن، بیکارو بی هدف سرگردان خیابانها هستند.

موافقان تعطیل دانشگاهها چنین استدلال میکردند که دانشگاههای ما غرب‌زده‌اند، برنامه‌های آنها استعماری است و چنین دانشگاههایی با این کیفیت، قاصر از آنند که کادرفهائی و آموزشی منطبق با نیازهای انقلاب به جامعه عرضه کنند. این استدلال پذیرفتنی میبود، اگر شرط ایجاد دگرگونییا تعطیل طولانی دانشگاه قرار نمی‌گرفت، که‌ف‌الواقع هم ضروری نیست، زیرا اساسی‌ترین تحول و تطور در نظام دانشگاهی، بدون تعطیل درازمدت دانشگاهها میسر است، بویژه آنکه چهارماه تعطیلات تابستانی فرصت مغتنمی برای پی‌ریزی یک نظام انقلابی دانشگاهی بود، که متأسفانه پیبوده از دست رفت و دانشگاهها همچنان تعطیل مانده‌اند.

تعطیل دانشگاهها با این کیفیت، اکنون خود نقض غرض است. غرض آن بود که جوانان ما آموزش استعماری نبینند و برنامه‌های استعماری دانشگاهها آنها را غرب‌زده و بیگانه از خود بار نیارود. اما اکنون نه تنها این مقصود انجام نشده، بلکه عده معتابیی از جوانان را به مراکز آموزشی غرب امپریالیستی اعزام داشته‌ایم که هم‌شیوه زندگی کشورهای سرمایه‌داری غرب، هم شیوه آموزش آنها، بر آنان اثرات پمراآب زیان‌بارتری از تحصیل در دانشگاههای کشور، حتی با همان برنامه‌های دوران طاغوت دارد، زیرا در اینجا دانشجویان حداقل تحت تاثیر جامعه انقلابی ما هستند، درحالیکه در کشورهای غربی عکس آنست.

اکنون علاوه بر آنکه این اثرات منفی را پذیرا شده‌ایم، مبالغی هم ارز موره، نیاز کشور را برای دانشجویان ایرانی مقیم خارج صادر میکنیم، تا امکان ادامه زندگی و تحصیل در غرب امپریالیستی را برای آنان فراهم آوریم.

تا قبل از انقلاب، به زوایتی ۱۵۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا، اروپای غربی و ژاپن به تحصیل اشتغال داشتند. پس از انقلاب، این عده بطور عمده سرجای خود باقی ماندند. به این عده باید هزارها دانش‌آموز و دانشجویی را افزود که به علت تعطیل

دانشگاهها راهی خارج شده‌اند. وجود این جمع کثیرالعدد در کشورهای امپریالیستی موجب میشود که سالانه میلیاردها دلار ارز کشور خارج شود، درحالیکه امروز ما به هر دلار آن نیاز وافر داریم. ما در گذشته یادآور شده‌ایم و اکنون باردیگر تاکید میکنیم که وجود این قبیل دانشجویان ایرانی در خارج بسود کشور ما و انقلاب ما نیست. اینان نه تنها برپادهند ثروت کشور هستند، که دست‌رنج زحمتکشان ماست، بلکه در اکثریت خود حامل منفی‌ترین جهات تمدن غرب به میهن ما خواهند بود. علاوه بر آنکه، رشته‌های دانش و تخصص آنها، که براساس نیازهای بازار کار داخلی ما انتخاب نشده، درآینده موجب بروز آشفتگی‌ها و ناهماهنگی‌ها خواهد شد.

ما معتقد بوده و هستیم که در سیستم دانشگاهی تغییرات بنیادی و انقلابی ضروری است. ابالازمه این تغییرات بهیچوجه تعطیل طولانی دانشگاهها نیست. میتوان بر اساس برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت، در دانشگاهها را بازگشود و به جوانان سرگردان امکان ادامه تحصیل داد، بویژه که میهن انقلابی ما سخت نیازمند کادرفهائی علمی و فنی و آموزشی است و این کادرها را دانشگاههای ما باید تامین کنند. باید ظرفیت دانشگاهها، با استفاده از کاخها و خانه‌های طاغوتیان و نیز استفاده از نیروی کار استادان بازنشسته تمام وقت، نیمه‌وقت و حق‌التدریسی و همچنین افزایش بودجه آموزش عالی افزایش یابد، تا جز در موارد بسیار ضروری و رشته‌های نادر، نیاز به اعزام دانشجو به خارج نداشته باشیم. باید مدارس حرفه‌ای و فنی را چنان گسترش داد که همه جوانان دیلمه برای ادامه تحصیل ناگزیر به روی آوردن به دانشگاهها نشوند، بلکه رشته و تخصص مورد علاقه خود را طی دورانی کوتاه، در مدارس فنی و حرفه‌ای بیاموزند و وارد بازار کار شوند.

مصلحت انقلاب ایجاب میکند که ارز کشور برای زندگی و تحصیل فرزندان خانواده‌های طاغوتی بخارج نرود، زیرا غارت خانواده‌های ایشان برای ادامه زندگی و تحصیلشان کافی است. مردم محروم و ستمکش ما، هیچ تمهیدی در قبال این عناصر فراری و ضدانقلابی ندارند.

مصلحت انقلاب ایجاب میکند که ثروت مردم زحمتکش برای فرزندان آنها بمصرف برسد و هزینه تحصیل کسانی را تامین کند که سالها از آموزش و تحصیل محروم مانده‌اند. درمورد آن اقلیتی هم که از خانواده‌های متوسط‌اند، هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند، آماده بازگشت به میهن برای خدمت به مردم این کشور هستند، میتوان ضوابط معقولی را تنظیم و اجرا کرد.

آنچه مسلم است اینست که بوضع کنونی در زمینه خروج ارز برای دانشجویان ایرانی مقیم خارج باید پایان داد و آنها بامانع و مصالح انقلاب و اقتصاد کشور منطبق کرد.

پلیس آمریکا تظاهرات علیه مسابقه تسلیحاتی را سرکوب کرد

اقدام‌های چند روز گذشته پلیس مزدور و دادگاههای فرمایشی آمریکا بار دیگر «حقوق‌بشر» امپریالیسم آمریکا را نشان داد. پلیس مزدور آمریکا در جریان تظاهرات هزاران زن علیه مسابقه تسلیحاتی، که بوسیله انحصارات آمریکایی دامن زده می‌شود، ۳۴ زن را بازداشت کرد. اجواترین تظاهرکننده بازداشت شده ۱۸ سال و پیرترین آنها ۷۹ سال داشت. انجمن‌های زنان ترقیخواه این اقدام وحشیانه پلیس را نقض آشکار حقوق بشر در آمریکا خواندند. ازسوی دیگر در گرینزبورو، در کارولینای شمالی، یک هیئت منصفه سفیدپوست ۵ تن از جنایتکاران گروه فاشیستی کوکلوکس کلان را، که سال گذشته در یک راهپیمایی مسالمت‌آمیز کارگران، ۵ تن را کشته بودند، بعلت «فقدان دلیل» تبرئه کرد. در پی اعلام این رای فرمایشی، هزاران تن از مردم شسر به خیابانها ریختند و دست به تظاهرات آرامی زدند. آنها خواستار مجازات جنایتکاران شدند.

عده‌ای از رهبران ثونازی کارولینای شمالی این رای را «پیروزی بزرگ» خواندند. در ارتباط با این قانون‌شکنی‌ها، مایک وایت، یکی از رهبران سیاهپوست آمریکا، در مادرید گفت: «دولت آمریکا باید در درجه اول نقض حقوق بشر را در کشور خود مورد بررسی قرار دهد و بپیدا آید معاهدات حقوق بشر در این کشور اجرا می‌شود یا نه»

اجتماع عظیم دانشجویان افغانی به مناسبت روز جهانی دانشجویان

بمناسبت روز جهانی دانشجویان، اجتماع بزرگی از دانشجویان دانشگاه کابل، انستیتوی پلی‌تکنیک و دیگر موسسات آموزش عالی در افغانستان برپا شد.

صحی مردجان دبیر روابط بین‌المللی کمیته مرکزی سازمان جوانان دمکرات افغانستان، در سخنان خود در این اجتماع، به اهمیت نقش دانشجویان در تولید اقتصادی و اجتماعی کشور اشاره کرد و متذکر شد:

«دانشجویان باید فعالانه برای اجرای هدفهای انقلاب آوریل و وظایفی که در مرحله دوم انقلاب تعیین شده است، شرکت کنند». مردجان از سوی دانشجویان افغانستان سیاست‌گذاری عمیق خود را از جنبش‌های دانشجویی دمکراتیک و ترقیخواه جهانی بویژه دانشجویان کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی به خاطر حمایت از مبارزه عادلانه مردم افغانستان علیه امپریالیسم، برتری طلبان چین و ارتجاع جهانی اعلام کرد. در این اجلاس قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن از «دانشجویان افغانی خواسته می‌شود که فعالانه برای اجرای دگرگونی عظیم اقتصادی و اجتماعی در کشور تلاش کنند».

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

هدایت‌شونده دشمن را منهدم و نفرات مستقر در آنها را به هلاکت رسانند.

خبرنگار خیرگزاری پارس از خط مقدم جبهه در آبادان گزارش داد که، در طول شب گذشته نیروهای انقلاب، با بهره‌گیری از آتش توپخانه، ضرباتی به دشمن وارد آوردند. در این گزارش آمده است که به سبب آتش شدید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مزدوران بعث عراق دیشب با دادن تلفات حدود یک کیلومتر دیگر از مواضع اشغالی خود در حاشیه جاده آبادان- ماهشهر عقب‌نشینی کردند. در حمله مزدوران متجاوز به یک لودر، که مشغول حفر سنگر برای مدافعان انقلاب بود، لودر منهدم و یک مدافع انقلاب شهید و ۳ تن مجروح شدند. متعاقب این حمله، رزمندگان انقلاب با ایجاد چند خط آتش علیه مواضع متجاوزین در محور جاده‌های آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر آنان را در محاصره قرار دادند. گزارش دیگر خبرنگار خیرگزاری پارس از آبادان حاکیست که «مزدوران عراقی دیشب و بامداد امروز مناطق مسکونی شهر آبادان و نیز پالایشگاه را هدف آتش توپخانه دوربرد قرار دادند. بر اثر این حملات قسمتهایی از پالایشگاه دچار آتش‌سوزی شده و دود غلیظی فضای شهر را پوشانده است».

براساس اطلاعیه شماره ۳۰۹ ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مستقر در غرب کشور، در روز اول آذرماه، ضربات موثری بر متجاوزین بعثی وارد آوردند و آنان را ناگزیر به عقب‌نشینی کردند. براساس اطلاعیه شماره ۳۱۰ ارتش جمهوری اسلامی ایران، بخشی از فعالیت‌های نیروهای رزمنده پاسدار انقلاب و لشکر ۹۲ زرهی در جبهه جنوب، در ۲ روز گذشته شرح داده شده است. طبق این اطلاعیه، در یک نبرد طولانی که از نیمه‌شب ۳۰ آبان تا بامداد اول آذر ادامه داشت، پاسداران انقلاب موفق شدند ۳۷ تن از مزدوران متجاوز را به هلاکت رسانند و ۴ نفر را نیز به اسارت بگیرند. در این نبرد ۲ تن از پاسداران شهید و ۳ تن زخمی شدند.

همین اطلاعیه حکایت از نابودشدن ۳ سنگر افراد دشمن، ۱ سنگر مهمات، ۱۰ دستگاه نفربر، ۹ دستگاه تانک و ۶ قبضه توپ دشمن و کشته و زخمی شدن ۱۵ نفر از مزدوران دارد. این اطلاعیه همچنین خسارات دشمن بر اثر حمله هواییروز جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب را، انهدام ۳ چادر مهمات، ۲ دستگاه کامیون، ۳ دستگاه تانکر سوخت، یک پاسگاه فرماندهی در جنوب فکه و یک خودروی استارت‌شده دشمن، و هلاکت ۴۰ نفر و زخمی شدن ۸۰ نفر از نیروهای دشمن اعلام می‌کند.

که «رزمندگان ما پس از تسلط بر مواضع مزدوران مقادیری مهمات دشمن را به غنیمت گرفته‌اند»

در ۲۴ ساعت گذشته در منطقه کوره‌موش ۱۸ نفر از مزدوران سدام بهلاکت رسیدند و ۱ تانک آنان نیز منهدم شده‌است. درجبهه کوره‌موش یک نظامی ایرانی نیز به شهادت رسید.

صدای جمهوری اسلامی گزارش داد: «نیروهای دشمن نیز پس از تحمل خسارات شدید، تاجوانمرده مناطق مسکونی سرپل‌ذهاب را زیر آتش توپخانه‌دورزن خود گرفته‌اند. خبرنگار دفتر مرکزی خبر از جبهه گیلان‌غرب گزارش میدهد: «دلوران ژاندارمری، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران به پیشرفتهای قابل توجهی دست یافته‌اند».

آخرین خبر دریافت شده از این جبهه حاکیست که از امروز صبح (دیروز) تاکنون، بیش از ۱۰ مزدور سدام در این جبهه به هلاکت رسیده‌اند و مقادیری مهمات و ۲ خودروی دشمن نیز منهدم شده است.

همچنین براساس گزارشی که بامداد دیروز خیرگزاری پارس از گیلان‌غرب ارسال داشت، «رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در یک عملیات چریکی ۱۰ ساعته موفق شدند، ۳ قبضه توپ، ۲ خودرو، یک سکوی پرتاب موشک و موضع خمپاره‌انداز و چند تانک متجاوزان را در این جبهه نابود و نیروهای دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند».

به گزارش خیرگزاری پارس از سومار نیز «خلبانان هلیکوپتر-های هواپرواز در یک سلسله عملیات متهورانه خطوط تدارکاتی دشمن را قلع و تشکل نیروهای مزدور سدام را برهم زده‌اند».

این گزارش همچنین حاکیست که «یک کماندوی ارتش بعث عراق که دیده‌بانی توپخانه‌نیروهای دشمن متجاوز را برعهده داشته‌است در جبهه سومار دستگیر شده و پیش‌از ظهر دیروز ۲ فرزند هلیکوپتر متجاوزعراقی در آسمان سنقر ظاهر شدند، ولی آتش پدافند هوایی رزمندگان ما آنها را ناگزیر به فرار کرد».

خبرنگار خیرگزاری پارس، در تماس با مسئول ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایلام کسب اطلاع کرد که، روز گذشته در جریان پاکسازی منطقه مهران از مزدوران بعثی، سپاهیان پاسدار موفق شدند در پاسخ به آتش متجاوزین ۷۰٪ از یک زانه مهمات، آنها را نابود و تعدادی از مزدوران را به هلاکت رسانند. در این نبرد مدافعان انقلاب تلفاتی نداشتند.

گزارش دیگری به‌نقل از سپاه پاسداران حاکیست که «در ادامه این نبردها نیروهای ما موفق شدند در سکوی پرتاب موشک

دشمن متجاوز در اکثر...

بقیه از صفحه ۱

سوسنگرد با دفاع دلورانه مدافعان انقلاب خنثی شد و تلفات سنگینی به متجاوزین وارد آمد.

خبرنگار خیرگزاری پارس، به نقل از یک مقام آگاه، گزارش داد که در این نبرد ۱۷ تن از مزدوران سدام دستگیر شده‌اند و تعداد زیادی از تانکها و مهمات دشمن نابود شده است. آخرین خبر در ساعت ۱۳ دیروز حاکی از به آتش کشیده شدن و شعله‌ور بودن تعدادی از تانکهای دشمن بود.

در گزارشی دیگر خبرنگار خیرگزاری پارس از اهواز آمده است: «از ساعت ۶ بامداد امروز (یکشنبه) شلیک توپخانه متجاوزان عراقی، که شب گذشته نسبتاً کاهش یافته بود، پسوی نقاط مسکونی شهر اهواز مجدداً آغاز شد. مزدوران سدام در چند روز اخیر شلیک توپخانه خود به‌سوی مناطق مسکونی شهر اهواز را شروع کرده‌اند».

ستاد امداد و درمان خوزستان تعداد تلفات درگیریهایی شبیه نیروهای خودی را ۲۰ مجروح و یک شهید اعلام داشته است.

خبرنگاران خیرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر از غرب کشور گزارش دادند که نبرد میان مدافعان انقلاب اسلامی و متجاوزین سدامی همچنان ادامه دارد.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از کرمانشاه گزارش داد: «جنگ در مناطق ریجاب و پاسگاه بزمیرآباد به شدت ادامه دارد و ارتش جمهوری اسلامی ایران از شب گذشته تا صبح امروز (شنبه شب تا یکشنبه صبح) با همکاری ستاد عملیات سپاه پاسداران بخش کرد و فدائیان امام ضربات مهلکی به نیروهای دشمن وارد آورده است».

برپایه این گزارش از ساعت ۶ بامداد امروز (دیروز) تاکنون، بیش از ۲۰ مزدور عراقی در این نبرد به هلاکت رسیده‌اند و یک تانک و چند خودروی سنگین متجاوزان در منطقه بزمیرآباد بدست مدافعان راستین انقلاب اسلامی منهدم شده است.

این گزارش حاکیست که جنگ در جبهه‌های سرپل‌ذهاب و کوره‌موش نیز به شدت ادامه دارد. در این جبهه‌ها رزمندگان ما موفق به پیشروی شده‌اند.

گزارش خیرگزاری پارس در این زمینه حکایت از آن دارد

ضرورت تغییرات بنیادی در بودجه و مالیاتها

نقش مالیاتهای مستقیم در سالم سازی بودجه دولت انقلاب و تجدید بنای اقتصاد ایران بر پایه منافع مردم

ماندگی، از بیش از ۷۵ تا ۹۰ درصد مالیاتها از طریق مستقیم وصول می شود.

بودجه در کشورهای در حال رشد

در حالی که در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، نظیر ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن و نظائر آن، بر اثر مبارزات اجتماعی طی سالهای طولانی، طبقات سرمایه دار و استثمارگر طبق قوانین مصوبه به پرداخت مالیاتهای مستقیم تصاعدی، که گاه تا ۹۰ درصد درآمد کشورهای در حال رشد سرمایه داری، طبقات استثمارگر هم چنان امتیاز عدم پرداخت مالیات بر درآمد را برای خود حفظ کرده اند و با مبالغ بسیار اندکی از این بابت پرداخت می کنند. قوانین مالیاتی در کشورهای در حال رشد، ملاکین و سرمایه داران و استثمارگران را از پرداخت مالیاتهای مستقیم معاف می سازد. در این کشورهای درآمد و بودجه دولتی بطور عمده و اساساً به حساب دریافت مالیاتهای غیرمستقیم از مردم تأمین می شود. سهم مالیاتهای مستقیم در درآمد بودجه بسیار نازل است، و گاه حتی به چند درصد رقم درآمد بودجه نیز بالغ نمی گردد.

اثرات اقتصادی - اجتماعی مالیاتها

اثرات اقتصادی - اجتماعی دریافت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم یکسان نیست. در حالی که اخذ مالیاتهای مستقیم، مثلاً مالیاتهای تصاعدی بر درآمد شرکتها، سرمایه داران، ملاکین و نظائر آنان، وسیله ای، هر چند دارای اثر محدود، برای جلوگیری از تجمع سریع و فوق العاده سرمایه و ثروت در دست معدودی اقشار سرمایه دار و مرفه جامعه است، تکیه بر دریافت درآمدهای غیرمستقیم در بودجه سبب تسریع و تشدید فقر و تنگدستی در میان اکثریت مطلق سکنه می گردد و در همان حال به تمرکز سرمایه و ثروت در دست طبقات استثمارگر سرعت می بخشد. در حالی که کسب مالیاتهای مستقیم، تا حد معین، موجب تعدیل در تقسیم درآمد ملی به سود اکثریت سکنه است و از تشدید فواصل طبقاتی تا حدی میکاهد، دریافت مالیاتهای غیرمستقیم، شکاف بین فقر و ثروت را در جامعه عمیق ترمیم سازد و فواصل طبقاتی را تا مرز انفجارهای حاد وسعت می بخشد.

تأثیر انواع مالیاتها بر تورم، گرانی و رشد اقتصادی

پیرامون اثرات اجتماعی - اقتصادی اخذ درآمد بودجه از راه مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم در وضع جوامع سرمایه داری و کشورهای در حال رشد بیش از این می توان سخن گفت. مثلاً می توان به این نکته اشاره کرد، که در حالی که مالیات

آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی و سرپرست ستاد بسیج اقتصادی، در مصاحبه اخیر خود روی یکی از مسائل مهم اقتصادی دارای اهمیت اجتماعی انگشت گذاشت. وزیر مشاور گفت: " دولت تصمیم جسادی دارد که، با در نظر گرفتن منافع طبقات پائین و کم درآمد، منابع درآمد داخلی خود را از سهم اضافی درآمد طبقات بالا افزایش دهد. ... (کیهان ۱۸، آبان ۱۳۵۹)

سخنان وزیر مشاور حاکی از آن است که دولت انقلاب مصمم است در تأمین درآمدهای بودجه، بردیافت مالیاتهای مستقیم، به عنوان منبع اساسی این درآمدها تکیه کند و تحقق این امر را، هم از نظر مقتضیات جنگ و هم پایه گذاری اقتصاد سالم و تأمین منافع توده های مردم ضروری می شمارد. جادار تصمیم صحیح و درست دولت انقلاب را بیشتر بشکافیم و نقش اخذ مالیاتهای مستقیم را در سالم سازی و تجدید بنای اقتصاد ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب با وضوح بیشتری بیان کنیم، تا اهمیت این تصمیم مهم بر همگان روشن گردد. بحث در این باره از این نظر هم ضرور است که، بدون تغییر بنیادی در نحوه تأمین درآمدهای بودجه و سیستم مالیاتی کشور، تحقق آن نظام اقتصادی - اجتماعی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن نظر دارد، امکان پذیر نخواهد بود.

تعریف بودجه

قبل از پرداختن به اصل مطلب، به جا است که از بودجه دولتی و نحوه تأمین درآمدهای آن از طریق اخذ مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، ولو به اختصار سخن به میان آوریم. بودجه دولتی به طور کلی عبارتست از: صورت درآمدها و هزینه ها در عرض سال، که بوسیله ارگانهای ذیصلاح تنظیم و پس از تصویب مقامات قانونگذاری به اجرا گذاشته می شود. ترکیب درآمدهای بودجه و نحوه هزینه ها و منابع و نقوش بودجه، به تبع از رژیم اجتماعی - اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه معین می گردد. بودجه در کشورهای سرمایه داری، طبقاتی است و به تبع از تمایلات و خواستهای محافل سرمایه داری حاکم بر جامعه تنظیم، تصویب و اجرا می گردد.

بودجه در کشورهای سرمایه داری

بودجه در کشورهای سرمایه داری و جوامع طبقاتی بیابانگر نحوه تقسیم درآمد ملی بین طبقات و اقشار مختلف جامعه است. این تقسیم در جهت تأمین منافع طبقه حاکم، یعنی سرمایه داران، و تثبیت و تقویت دستگاه دولتی حافظ منافع آنان صورت می گیرد. به همین جهت قسمت عمده هزینه های بودجه در کشورهای سرمایه داری متوجه تأمین هزینه های نظامی - پلیسی و دستگاه دولتی است و منابع اصلی تأمین درآمد آن را نیز وضع مالیاتهای تشکیل می دهد که به طور عمده و درجه اول از طبقات زحمتکش دریافت می شود و سال به سال بار آن سنگین تر می گردد.

مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم

نحوه اخذ مالیاتها در بودجه در کشورهای سرمایه داری اساساً به دو صورت انجام می گیرد: یکی اخذ مالیاتهای غیرمستقیم از راه وضع عوارض - گسوناگون بر واردات گمرکی، بر کالاها و خدمات، که بار آن به طور عمده به دوش طبقات زحمتکش گذاشته می شود، و دیگری اخذ مالیاتهای مستقیم، که از درآمد شرکتها، سرمایه داران و طبقات استثمارگر اخذ می شود. سهم معینی از مالیاتهای مستقیم نیز از درآمد مختصر کارگران، کارمندان، سایر زحمتکشان و اقشار میانه اخذ می گردد، که طبیعی است بار مالیاتها را بر دوش این طبقات و اقشار سنگین تر

شبهه به جامعه اخیر را دارا بود و هنوز هم اثرات آن، از جمله در زمینه دریافت درآمدهای بودجه از راه مالیاتهای غیرمستقیم، به قوت خود باقی است. به جرات می توان گفت که یکی از عوامل زیربنایی تدارک و تکوین انقلاب عوامی و ملیتی و خلقی ما را همان بی عدالتی های فاحش تشکیلی می داد که پایه آن بر گذاشتن بار سنگین تأمین درآمد بودجه های دولتی، به حساب مالیاتهای غیر مستقیم، به دوش طبقات زحمتکش جامعه استوار شده بود. تضاد فاحش طبقاتی و تجمع خارق العاده فقر و ثروت در دو قطب مخالف عملاً نتیجه تحمیل چنین بودجه هایی به این مملکت بود، زیرا در حالی که درآمدهای بودجه بطور عمده به حساب دریافت مالیاتهای غیرمستقیم از مردم و زحمتکشان کشور تأمین می گشت، هزینه های آن نیز به طور عمده به تأمین منافع و مقاصد اقلیت استثمارگر و زورگو و غاصب دار و دسته جنا بیکار پهلوی سرمایه داران وابسته، بزرگ مالکان، غارتگران طفیلی اختصاص داده شده بود.

امپریالیسم و سیستم مالیاتی تحمیلی در ایران

با پیدایش طریش ساخت که در تمام بودجه های که در نیم قرن سلطه دربار فاسد پهلوی به ایران تنظیم می گردید، اصل بر تحمیل بار سنگین هزینه های بودجه بر دوش توده های محروم و زحمتکش جامعه گذاشته شده بود. طبقات استثمارگر و طفیلی حاکم در این سالها نه فقط به برکت حمایت رژیم ننگین دست نشانده سلطنتی، بلکه هم چنین از دولت سر پشتیبانی دول امپریالیستی و انحصارات نفتی و غیر نفتی آن، که در ایران فعالیت داشتند، از پرداخت مالیاتهای مستقیم، یعنی مالیاتهای بردرآمد معاف نگاه داشته شدند. دول امپریالیستی در عدم پرداخت مالیاتهای مستقیم شرکت های غارتگر خود در ایران ذینفع بودند. به همین جهت آنها تنظیم بودجه های را به دولت های دست نشانده ایران دیکته می کردند، که در آنها دریافت مالیاتهای مستقیم، یعنی مالیات بردرآمد سهم بسیار ناچیزی را از درآمدهای بودجه تشکیل می دادند، مثلاً در حالی که انحصارات نفتی امپریالیستی در کشورهای خود مالیات سنگینی بر بابت درآمدهای حاصل از نفت می پرداختند، در ایران همین شرکتها یا از پرداخت مالیات بردرآمد معاف بودند و یا سهم بسیار ناچیزی میدادند. هنگامی که نفت معلوم شد که اگر شرکت غاصب انگلیسی نفت مالیات بردرآمد را به ایران پرداخت می کرد، سهم درآمد ایران از نفت در دوران تسلط غاصبان آن، ده ها بار بیش از میلی بود که بابت درآمد به ایران پرداخته بود.

همین وضع در ربع قرن تسلط کنسرسیوم بین المللی نفت در باره ایران اجرا شد، که در نتیجه ده ها و صدها میلیارد دلار حق ایران بوسیله این هیولای غارتگر امپریالیستی نفت تضییع گردید، و متأسفانه تا همین امروز هم استیفای حقوق ایران در این باره مسکوت باقی مانده است.

تنها انحصارات نفتی امپریالیستی نبودند که از پرداخت مالیات مستقیم یعنی مالیات بردرآمد، عملاً معاف بودند. صدها انحصار امپریالیستی دیگر به صورت شرکت های مقاطعه کاری، بازرگانی، صنعتی، کشت و زرع، بانکی، بیمه ای، خدماتی و نظائر آن، عملاً از معافیت مالیاتی و عدم پرداخت مالیات بردرآمد تصاعدی، حتی به نرخ هائیکه در کشورهای خود آنان جاریست، سود می بردند. سرمایه داری وابسته خائن ایران و دستگاه دولتی خائن زمان طاغوت، به مسئله دریافت مالیات مستقیم از انحصارات امپریالیستی به چشم اغماض می نگریستند، زیرا اولاً خود خادم امپریالیسم و استعمار نبودند و چاره ای جز قبول تحمیلات آنها نداشتند و ثانیاً در سایه این اغماض، خود "ارتسزاق" می نمودند و از تن در دادن به پرداخت

مردم را تسریع می کند، تکیه بر دریافت مالیاتهای مستقیم به این جریان تا سالم تا حدی مهار می زند و در جلوگیری از اختلال اقتصادی تأثیر می بخشد. یا این که، در حالی که تکیه بودجه بر مالیاتهای غیر مستقیم به رونق اقتصادی لطمه می زند و امر پیشرفت تولید اجتماعی را دچار وقفه می سازد، بردیافت مالیاتهای مستقیم چنین اثراتی مترتب نیست. علی رغم ادعای سرمایه داران، که دریافت مالیاتهای مستقیم یعنی مالیات بر درآمد، را مانع از رشد اقتصادی می دانند، دریافت این نوع مالیاتها در تسریع رشد اقتصادی اثر می گذارد. رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته سرمایه داری، که در آن ها گاه تا ۹۰ درصد درآمد بنگاه ها و شرکت های سرمایه داری بابت مالیات بردرآمد، اخذ می گردد، دلیل روشن این واقعیت است.

مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم

و عدالت اجتماعی

وضع دریافت مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم هم چنین نشانه آشکاری از وجود و یا عدم وجود عدالت نسبی اجتماعی در جامعه مفروض را ارائه می دهد. در جامعه ای که دریافت مالیاتهای مستقیم در درآمد بودجه سهم نسبتاً بیشتری دارد، طبیعتاً است که - و لویه طور نسبی - عدالت اجتماعی گسترده تری - تا آنجا که در جامعه سرمایه داری چنین عدالتی ممکن و میسر است - حکم فرم است، زیرا حداقل این است که از طریق دریافت مالیاتهای مستقیم، بخشی از درآمد هائی که تولید کننده آن خود مردم هستند، ولی به جیب سرمایه داران می ریزد، به صورت مالیاتهای مستقیم، مثلاً مالیات بردرآمد، از سرمایه داران داران گرفته و صرف هزینه های عمومی بودجه می شود.

اما در جوامعی که درآمدهای بودجه آنان بطور عمده از راه دریافت مالیاتهای غیرمستقیم تأمین می گردد، معنی این کار این است که هزینه های عمومی مملکت نیز به حساب همان سهم ناچیز از درآمدی تأمین می شود، که توده مردم و زحمتکشان، در نتیجه نهائی، به صورت دستمزد و یا حقوقهای لقیل و کمد دریافت می دارند. در این جا سرمایه داران از پرداخت سهمی ولو ناچیز، برای نگاهداری دولتی که حافظ منافع آنان است، معاف اند و هزینه های عمومی بودجه به حساب مالیاتهای غیرمستقیمی تأمین می شود که مثلاً از قند و شکر مصرفی زحمتکشان دریافت می گردد. ناگفته پیداست که در چنین جامعه ای، عدالت اجتماعی که وجود ندارد هیچ، بلکه ظلم و بی عدالتی اجتماعی به نحو بارز و کمر شکن بر آن مستولی است.

مالیاتهای غیر مستقیم و تضاد فاحش

طبقاتی در جامعه ایران

جامعه ایران، در تمام سال های

نفت فروشها از حقوق قانونی بی بهره اند

خانه های ما را گرم می کنند و خود، زندگیشان سرد است



لارم برای هر محله توسط دولت تعیین می شود. و هر فروشگاه نفتی که بخواهد ایجاد شود، دولت باید به آن اجازه دهد. ولی کارگران آن یعنی نفت فروشها از مزایای دولتی بی بهره اند و قاعدتا نیز از هیچ گونه حقوقی که برای سایر کارگران تعیین می شود استفاده نمی کنند و درآمدشان ناچیز است.

صبح از حادث حرکت کم با بسوالم ۷/۵ به سرکار برسم. در همین خیابان مجید به خانه کوچکی گرفته ام و ماهی ۱۵۰ تومان کرایه می دهم و هفته ای یکبار به خانه می روم. اگر یکروز کار نکنم حقوق ندارم. و با این گرانی هم پس انداز نمی شود کرد. اغلب نان خالی می خورم تا بتوانم زندگی را جور کنم. ادامه می دهد. "انتظارم از دولت این است که کار درست کند تا زندگی ما اینطور سخت نگردد."

نفت فروشها، زحمتکشانی هستند که علی رغم کار زیاد و طاقت فرسا، زندگی نابسامان و پر مشقتی دارند. اینها اکثرا روستاییانی هستند که برای به دست آوردن مایحتاج زندگی روانه شهرها شده اند ولی در آنجا نیز با مشکلات اساسی روبرو هستند. درآمد این قشر زحمتکش از فروش نفت است و کارشان بیشتر در زمستانها رونق دارد. امسال که به خاطر درگیری با عراق و جنگ تحمیلی آن دچار کمبود نفت هستیم، این قشر وظایف ویژه ای دارد و اغلب افراد متعهد و آگاه آن می گویند به یاری مردم بشتابند و سختی ها و کمی درآمد را تحمل کنند و سهم خود را برای مقابله با توطئه های آمریکا ادا کنند. به هر صورت مشکلاتشان را از زبان خودشان می شنویم: مهذی صدی ۳۰ ساله اهل ده کلخوران اردبیل است. درباره زندگی می گوید: "دو اتاق در دولت آباد دارم. ماهیانه ۳۶۵ تومان قسط به بانک رهنی می دهم. خودتان می دانید، این اواخر وضع نفت تعریفی ندارد. تابستان هم فروش کم است. به شعبه ما هر ۸ تا ۱۰ روز یک تانکر چهارده هزار لیتری نفت می رسد و ما ۶ نفر هستیم که با نظارت کمیته و افراد بسیج آن را به درخانه ها در ظرف های بیست لیتری می بریم. هر ماشین تانکر نفت که به فروش میرود ۱۴۰۰ تومان برابمان دارد. و این پول هم ۶ قسمت می شود" (با این حساب روزانه سهم هر کدام حدود ۳۰ تومان می شود).

از گرانی بسیار ناراحت است و می گوید: "ما شرکت تعاونی، بیمه و شورا و سندیکا نداریم، وگرنه حالا که هفته ای یکروز کاری کنیم لاقبل به دادمان می رسید." فتاح عزیز زاده ۲۰ ساله در خیابان طوس نیز حرفهایش مشابه مراد است و می گوید: "با این وضع روزی ۴۰ تومان درآمدمان است در حقیقت به خاطر این که هم گرسنه نمائیم و هم به خاطر مردم کار کرده باشیم به این کار ادامه می دهیم." همراه او دونفر از کمیته محل هستند که در بخش عادلانه نفت نظارت می کنند. محمد واحدی جوانی ۲۴ ساله و اهل اردبیل است، سواد ندارد و می گوید: "روزانه ۴۰ تا ۴۵ تومان درآمد داریم و امید ما به زمستان است که اگر نفت باشد کمی درآمدمان بیشتر شود." و ادامه می دهد: "ماهی ۲۵۰ تومان اجاره یک اتاق مخروبه را می دهم و این دوساله که به تهران آمده ام و افزایش زندگی سختی دارم."

برادرش رمضان واحدی ۲۹ ساله و در انتهای دامپزشکی کار می کند. وی می گوید: "آقا بیمه نیستیم" دستپایش را بالای زند و زخم های دستش را نشان داده می گوید: "باید بختی دکتر رستم و معلوم شد بدتم به نفت حساسیت دارد و خیلی باید خرج کنم تا اینها خوب شود." از گرانی بسیار ناراحت بود و قسم می خورد که حتی لباسهایش را هم مشتری ها به او داده اند. محمد صادقی ۶۰ ساله است و در یکی از نفت فروشی های خیابان هاشمی کاری می کند. می گوید: "۱۵ سال است به این کار مشغول هستم و حالا روزانه ۳۵ تومان حقوق ثابت دارم و توی شعبه فروش نفت کار می کنم. بعضی روزها هم با چرخ نفت می برم. چون زورم نمی رسد چرخ را ببرم روزی ۲۰ تومان بیشتر گیر نمی آید."

در خیابان حق شناس منطقه عباسی، با شفیق جعفرزاده صحبت می کنیم. می گوید: "۶۲ سال دارم و ۵ نفر را با روزی ۷۰ تومان درآمد باید خرج بدهم. بیمه هم نیستیم این دوساله هم درآمد خوبی نداشته ایم. من می خواهم مملکت طوری باشد که یگی پولدار و یکی بی پول نباشد." در جوادیه با عروج علی احمدی به گفتگو می نشینیم. "اهل روستاهای تبریز است. وی می گوید: زندگی با این درآمد روزی ۵۰ تومان نمی گذرد. خیلی سخت است. اگر در ده مان بهمن زمین بدهند حتما برمی گردم سر کار کشاورزی."

در خیابان مجید به پای صحبت رجعیلی بیگدلی می نشینیم. اهل ده امین آباد زنجان است و ۱۲ سال پیش به تهران آمده و همسر و ۲ فرزند دارد. درباره وضعیتش می گوید: "خانم دراکر آباد جاده سازه است و با این روزی ۷۰ تا ۸۰ تومان درآمد حداقل روزی ۱۵ تومان پول ماشین می دهم و باید ساعت ۵

کارگران بخاطر خندان کردن پسته از جانشان مایه میگذارند

شهرستان رفسنجان به خاطر وجود باغ های زیاد پسته به منطقه طلای سبز مشهور است. بیشتر باغات در مالکیت بزرگ مالکین و فئودالهاست. این طلاها وسیله دستهای کارگران جمع آوری و با داندان های کارگران خندان می شوند و در بازارهای داخلی و خارجی (توسط بزرگ مالکان) به فروش می رسند و درآمد آنها یکسره به جیب مالکین سرازیر می شود. کار کارگران این منطقه فصلی است. آنها پس از اتمام محصول پسته عموماً بیکار می شوند. روستای "کوثرریز" در بیست و سه کیلومتری رفسنجان قرار دارد. در این روستا حدود سیصد خانوار زندگی می کنند و جمعیت آن بالغ بر هزار و هفتصد نفر است. بیشتر اهالی کارگر مزدبگیر ارباب های ده هستند. در کوثرریز جمعاً پنج کارگاه پسته پوست کنی وجود دارد.

در یکی از این کارگاه ها پنجاه نفر کارگر زن که سن بعضی از آنها کمتر از شانزده سال است و همچنین پنج نفر کارگر مرد مشغول به کارند. پنج تن از زنان به صورت روزمزد کار می کنند. دستمزد سایر کارگران بسته به مقدار پسته ای است که جمع آوری و یا خندان می کنند.

به ازای هر سه کیلو خندان کردن، کارگران چهارصد ریال دستمزد دریافت می دارند. در بیشتر کارگاه ها، پسته های خندان به وسیله انبرک مخصوص خندان می شوند، ولی عده ای از کارگران به خاطر این که مقدار بیشتری از پسته ها را خندان کنند از دندان های خود برای اینکار استفاده می کنند. به علت وجود میکرب در این پسته ها و خندان کردن بخشی از آنها توسط دندان، اغلب کارگران به امراض مختلف و فاسد شدن دندان های خود مبتلا هستند. یکی از کارگران به نام فاطمه بمعانی اظهار داشت: "من دارای شوهر و یک بچه هستم. شوهرم خست مال است و درآمد ناچیزی دارد، بنا بر این مجبورم کار کنم."

ما معمولاً پسته را به وسیله دندان خندان می کنیم. چون پسته ها ملو از انواع میکرب است کارگران به امراض مختلف مبتلا میشوند. وی افزود که: "هیچ یک از کارگران اینجا بیمه نیستند و محیط کار نیز غیر بهداشتی و پر از مگس و کثافت است که خود باعث انتقال بیماری است." یکی دیگر از کارگران به نام عصمت پاریزی گفت: "هر روز صبح از ساعت شش تا ظهر و از ساعت دو بعد از ظهر تا غروب به صورت روزمزد کار می کنم و فقط روزی چهار تومان مسزد می گیرم. دارای پنج فرزند هستم و در سال فقط بیست و دو روز هم فصل محصول پسته می توانم اینجا کار کنم که از این بابت پول چندانی گیرم نمی آید. برای این که درآمد بیشتری داشته باشم، بچه هایم را هم که در سنین پائین هستند با خودم به اینجا می آورم تا آنها نیز کار کنند." یکی از کارگران که در حال جابجا کردن نخاله های پسته بود گفت: "کارم معمولاً با این کثافات است که بسوی تعین می دهد. روزی ده تا دوازده ساعت کاری کنم و شصت تومان مزد می گیرم و اجباراً از کارم راضی هستم. چون فعالیت بیکاری زیاد است و این کار خود غنیمتی است چون چاره ای جز این ندارم."

سندیکای کارگران تاسیسات حرارت مرکزی و تهیه مطبوع تهران و حومه آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز رژیم صدام و شرکت در ترمیم و بازسازی ویرانه های جنگ اعلام می دارد

سندیکای کارگران تاسیسات حرارت مرکزی، تهیه مطبوع تهران و حومه، طی اطلاعیه ای، آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز صدام و شرکت در ترمیم و بازسازی ویرانه های جنگ اعلام داشته است.

"امپریالیسم زخم خورده آمریکا زوزه جدیدی بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ما سر داده و اینبار نفیر و ناله مشقوم این استکبار جهانخوار از حنجره سگ قلاده بگردن او صدام خائن و دولت بعثی عراق بیرون آمده است، لکن میهن انقلابی و این ملت بیاخواسته یکبار دیگر فغان غارتگرانه متجاوزین به آزادی و استقلال و جمهوری جوان اسلامی ما را در گلو خفه خواهد نمود."

اینک سراسر جنوب و غرب میهن عزیز ما به آوردگاه حماسه ساز دلیران بدل شده و دشت زرخیز این خطه از وطن بخون نشسته ما را خون شهیدان انقلاب اسلامی سیراب و بارور نموده است. نسل انقلاب آفرین ما متحد و یکپارچه در جبهه های نبرد عادلانه با تجاوز بعثی های آبرویخته اسرود ایثار و شهادت سر داده اند. کارگران و زحمتکشان، این مدافعان پیگیر و راستین انقلاب، که بتاکید دژ استوار بیکار ضدامپریالیستی وطن ما، امام امت خمینی بت شکن، وارثان اصلی انقلاب اسلامی و ضدامپریالیستی اند، در این آزمایش دوران ساز آمده نبرد متحد و انجام رسالت تاریخی خود در دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی بوده و هستند.

سندیکای کارگران تاسیسات تهران، بعنوان بخشی از سندیکاهای راه و ساختمان، ضمن اعلام آمادگی مجدد برای شرکت مجدانه در جبهه های نبرد و کمک فعال و ترمیم ویرانه های ناشی از تجاوز وحشیانه و غارتگرانه رژیم بعثی عراق، از همه برادران عضو سندیکا و صنف می خواهد که جهت دستیابی به وحدت عمل یکپارچه در انجام این وظیفه بزرگ میهنی موارد زیر را توجه نمایند:

- ۱- جهت ثبت نام برای آموزش نظامی و کسب آمادگیهای رزمی همواره روزی می توانید به دفتر سندیکا مراجعه نمائید.
- ۲- برای شرکت و بازسازی ناشی از ویرانه های جنگ آماده شده و میزان تخصصهای مربوط و امکانات عملی خود را به سندیکا اطلاع دهند.
- ۳- با نیروهای مسلح و سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی مستمرا همکاری نمائید.
- ۴- کارخانه و کارگاه را به دژ دفاع از انقلاب جمهوری اسلامی بدل نمائید.
- ۵- به رزمندگان صفوف رزم، به هر اندازه که مقدور باشد، کمک کرده و امکانات نقدی و جنسی خود را در اختیار مسئولان مربوطه بگذارید.
- ۶- با شرکت فعال در شورا های محلی ستاد های بسیج به تخفیف مشکلات ناشی از وضعیت اضطراری موجود بپردازید و خانواده شهدا و هموطنان نیازمند را حمایت کنید.
- آدرس سندیکا: دروازه شمیران سر خیابان مهدی رضائی (خورشید سابق) پلاک ۷ تلفن ۷۵۹۲۷۴ - جلسات هفتگی صنف روزهای پنجشنبه ساعت ۱۲/۵ الی ۵ بعد از ظهر
- مرکز بر امپریالیسم توطئه گر آمریکا یکپارچه تریاد اتحاد کارگران و زحمتکشان در سازمانهای صنفی و سندیکائی

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

توطئه جدید ضد انقلابی فئودالها:

تخریب کشتزارها و شخم مزارع زیر کشت

حمله متقابل فئودالها و عمال آنها، به تأیید امام خمینی از تصمیم فقهای سه گانه در پایان مهر ماه ۵۹ دستور العمل اجرای قانون اصلاحات ارضی، یعنی ادامه کار هیئت های هفت نفری در آغاز آبان ماه ۵۹، بقدری لحام گسیخته و خشم آلود بود که وزارت کشاورزی ناچار شده است یک "اخطار شدید به فئودالها و ضدانقلاب" صادر کند.

وزیر کشاورزی در اطلاعیه ۲۵ آبان ۱۳۵۹ خود فئودالها را به حق در کنار ضد انقلاب قرار می دهد و به درستی اعمال خرابکارانه این غارتگران سودجو و فاسد را اعمال ضد انقلابی و فرصت طلبانه می داند.

و اقوام بزرگ مالکان ستمگر در حمله جنون آمیز خود به تصمیمات انقلابی دولت جمهوری اسلامی ایران و در بورش به هیئت های ۷ نفری، هیچگونه حدود مرزی نمی شناسند، زیرا که این هیئت ها، در صورت اجرای سریع و بیگانه قانون، می توانند مظهر اقدام قاطع در جهت منافع حیاتی میلیون ها دهقان و تأمین مصالح ژرف انقلاب ما باشند.

بزرگ مالکان با انقلاب مخالفند. آن هادر کینه کور طبقاتی خود و در غرض خشم آلود و سودجویانه خویش کف بر لب آورده اند. آن ها همدستان لیبرال خود را به میدان نبرد علیه انقلاب و علیه ضرورت اصلاحات ارضی فرستادند. آنها هم گامها و عمال روحانی نمای خود را به نام "اسلام و شرع" و ادار به تکفیر و غیرا سلامی جلوه دادن اصلاحات ارضی کردند، گوئی که اسلام مخالف رسیدن حق به حق دار و زمین به دهقان است. ولی روحانیت مبارز مشت آنها را باز کرد

مجدد قانون واگذاری زمین و بعد از آن که امام خمینی نیز تصمیم مزبور را تأیید کرد، کمر دومین مرحله توطئه اربابان شکست، حالا اربابان سومین مرحله توطئه خود را به صورت تخریب کشت، انداختن تراکتور روی مزارع دهقانان، شخم زدن زمین های زیر کشت، ادامه می دهند.

هدف این جویا و لوگران فاسد و این ضد انقلابیون گستاخ نگاهداشتن زمین ها و سوء استفاده از زمینمورد کشت هر چه بیشتر زمین توسط کشاورزان و از اطلاعاتی مقامات مربوطه در زمینه کشت سال جاری است. ابهامات این اطلاعیه ها و تاءخیر افتادن عملی که می بایست تاکنون انجام و تمام شده باشد، موجب شده است که اربابان خونخوار فرصت سوء استفاده را پیدا کنند و امید خامی را در دل زنده کنند و بار دیگر دست به تهاجمی بزنند که به حق "اخطار شدید" وزیر کشاورزی را به دنبال داشت.

وزیر کشاورزی به درستی اقدام خائنانه فئودالها و ضدانقلاب را در چارچوب شرایط حساس، به ویژه جنگ تحمیلی دار و دسته صدام و محاصره اقتصادی آمریکا، مطرح می کند. این چارچوب عمق ماهیت ضدانقلابی فعالیت های بزرگ مالکان را برجسته تر می سازد، زیرا خصلت براندازی و ضد میهنی و ضد مردمی آن را آشکارتر نمایان می کند. البته در این شرایط حساس، اتخاذ تدابیر فوری و "انجام اقدامات عاجل برای بالا بردن سطح تولید" نیاز واقعی کشور است. درست همین نیاز حیاتی است که با سوء نیت و ناجوانمردانه، بر شالوده غرض کور طبقاتی و استثمارگرانه، توسط

زمین ها را باید هر چه زودتر به دهقانان زحمتکش داد
الفای بزرگ مالکی و طبقه مضمینی است برای زیر کشت بزدن همه زمین های قابل کشت

بزرگ مالکان، مورد سوء استفاده قرار گرفته است. آنها فرصت لحظه را، مزورانه غنیمت شمرده اند آنها از کم کاریها و ناپیکیریها و تاخیر در پایان کار هیئت های هفت نفری، از تعویج انجام اصلاحات ارضی، که می بایست ماهها پیش به اتمام رسیده باشد، سوء استفاده کرده اند. آنها می خواهند در مهلتی که تا پایان کشت جاری داده می شود، توطئه خود را عملی کنند. در واقع به نظرمی رسد که از فحواي اطلاعاتی و اظهارات، بوی تعویجی موقتی در اجرای قانون و به ویژه در قسمت اصلی هسته مرکزی آن - الفای بزرگ مالکی - نه مشام شوم آنها رسیده است. اگر چه بزرگ مالکان کور خوانده اند، ولی واقعیت اینست که حالا به زور چماق داران و از راه شخم زدن مزارع کشت شده، بار دیگر وارد میدان شده اند. چه باک اگر در این میان مزارع نابود می شود و کشت به هدر می رود و کشور بدون محصول می ماند و مردم گرسنه و ناراضی و نیازمند می شوند، برای فئودالها و ضدانقلاب این کمال مطلوب است. آنها در صددند جمهوری اسلامی ایران را در زمینه حل مسئله ارضی شکست دهند و محتوی مردمی حمایت از مستضعفین دهات را از انقلاب سلب و آن را مسخ کنند، زیرا که ادامه وجود بزرگ مالکی و تداوم استثمار روستا اربابی، مساوی است با مسخ انقلاب، منافی است با پیروزی و پیشرفت آن. این کمال مطلوب آنها و لیبرال های جانبدار آنها و روحانی نمایان هم گامی است. آنها در صددند زمین ها را در دست خود نگهدارند و نگذارند حق به حق دار و زمین به دهقان برسد.

این واقعیت نشان می دهد که چقدر برچیدن بساط بزرگ مالکی، آن هم از ریشه و در تمامی ابعاد آن، در همه جای کشور و بدون استثناء، ضرورت حیاتی برای انقلاب ما دارد: ضرورت حیاتی... ضرورت حیاتی... اگر شکی هم برای کسی وجود داشت، "شرایط جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی"، که به درستی مورد اشارت وزارت کشاورزی است، نشان داد که اربابان در کنار دشمن مهاجم و متجاوز، تابع آمریکا محاصره گر و زورگو، در صف ضد انقلاب، جزئی از آنند. ما نمی توانیم روی پای سیستم و به جلو برویم، مگر آنکه زنجیرهای کهن، فاسد و فاسد کننده بزرگ مالکی را از پای جامعه برداریم. وظیفه انقلابی ما است که خطر این توطئه ها و خرابکاری ها را به کانی و از ریشه از بین ببریم و بزرگ مالکی را، از راه دادن کلیه زمین ها به دهقانان زحمتکش، برچینیم.

وزیر کشاورزی در اخطار شدید خود به فئودالها و ضد انقلاب اعلام کرد که: کلیه تصمیمات هیئت های هفت نفری به قوت خود باقی است و اگر زمین هایی کشت نشده باشد، باید طبق دستور العمل به بزرگ مالکی و روستا مرکزی واگذاری

و حساب خود را از آنها جدا کرد.

بزرگ مالکان حالا دیگر شروع به اقدامات وحشیانه و ضد انسانی کرده اند. صحبت تنها از حمله افراد مسلح آنها به دهات و یورش چماق داران به دهقانان و تهدید مردم علیه افراد صدیق هیئت های ۷ نفری و چاقو کشی و پرونده سازی علیه اینگونه افراد نیست. علاوه بر همه اینها، صحبت از تخریب کشت موجود و محروم کردن کشور از محصولات غذایی و تهدید کشور به گرسنگی است.

آمریکا از آن طرف محاصره می کند، فئودال از این طرف تخریب می کند. حلقه ضد انقلاب بدین ترتیب بسته می شود و توطئه آویختن این حلقه به گردن انقلاب و خفه کردن آن از طریق نیازمند کردن ایران به واردات محصول خارجی، وابسته کردن ایران، ناراضی کردن مردم و متشنج کردن اوضاع شکل می گیرد.

وزارت کشاورزی کاملاً حق دارد وقتی به "عدهای ضد انقلاب و فئودال فرصت طلب" شدیداً اخطار می کند و سوء استفاده آشکار و وقیحانه آنان را از سخنان آیت الله منتظری و از اطلاعاتی مربوط به لزوم کشت سال جاری در همه اراضی، محکوم می کند. این اربابان ضد انقلابی، این فئودال های همکار آمریکا، دارند از نیاز کشور به محصول زراعی سوء استفاده می کنند. آنها دارند توصیه کشت زمین ها و اولویت دادن به کشت محصول هر چه فراوان تر را دستاویز قرار می دهند، تا مالکیت عدوانی خود را حفظ کنند، تا بساط غارتگری را ادامه دهند، تا نگذارند زمین به دست صاحبان اصلی آن، یعنی دهقانان زحمتکش، که آن را بارور و آباد ساخته اند، برسد، تا نگذارند انقلاب یک وظیفه اساسی و مهم خود را انجام دهد، تا یک پایگاه ضد انقلابی امپریالیسم را از زیر ضربه نجات دهند، تا میلیون ها دهقان حامی و پیادار انقلاب و سرباز فداکار جمهوری اسلامی ایران را نا امید و مایوس نمایند.

توطئه براندازی آمریکا تنها به صورت پیاده کردن نیرو در طیس، محاصره اقتصادی و سیاسی کودتا در نوزده، حمله نظامی صدام و جنگ تحمیلی نیست. این توطئه اشکال مختلف دارد. اقدامات بزرگ مالکان نیز بخشی از توطئه آشکار ضد انقلابی است. اربابان، بر پیروز به دست لیبرال هایی که در دولت موقت حتی در مقام وزیر کشاورزی جا گرفته بودند، با اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی مخالفت می کردند. آنها دیروز در لباس و زیر خرقه روحانی نمایان و فتواهای آنجانی، زیر نام شرع و اسلام - نه اسلام راستین علی و ابودر و خمینی، بلکه اسلام ادعایی معاویه و شاهان و بزرگ مالکان - توطئه کردند. بعد از افشای چهره لیبرال ها و تصویب قانون در شورای انقلاب، کمر اولین مرحله توطئه اربابان شکست، پس از اعلام تصمیم سه فقیه: آیت الله منتظره،

مالکان خرابکارند، آنها کشت نمی کنند و نمی گذارند محصول بیشتر به دست آید. زمین های کشت شده را شخم می زنند و تخریب می کنند. زمین ها را بایر نگه می دارند، یا برای فریب و کلاه شرعی یک مشت بذر روی مقدار زیادی زمین می ریزند، تا از کشت دهقانان جلوگیری کنند. تنها دهقانانند که در کشت هر چه وسیع تر به سود انقلاب و کسب محصول هر چه بیشتر، برای مقابله با دشمن جمهوری اسلامی ایران ذینفع هستند. اگر زمین ها مال خود دهقانان باشد، کار آنها پرشورتر، پرثمرتر، وسیع تر و همه گیرتر خواهد بود. هر چه زودتر بهتر، از یاد نثریم که ۲۲ ماه دیر شده، و هر روز که می گذرد، بر ماه های تاخیر، افزوده می شود و زمینه توطئه و خرابکاری فئودالها باقی می ماند.

آری، فئودالها و ضد انقلاب برابرند. این اخطار شدید به آنها کاملاً درست است. به علاوه به آنها باید صراحتاً گفت که عمر بزرگ مالکی به سر رسیده است. آنها باید بدانند که جامعه ما، انقلاب بزرگ ما و همه دهقانان زحمتکش اجازه نخواهند داد نقشه های شومشان عملی شود. شک نیست که بزرگ مالکان نه از سیاست های واژده و کنگره بازی های لیبرالها و نه از اقدامات روحانی نمایان هم کاسه خود، که علیه روحانیت مبارز قد علم کرده اند، و نه از تخریب جنون آمیز کشت و محصول، طرفی نخواهند بست. شک نیست که آخرین دست و پا زدن های بزرگ مالکان، که کار راحتی به سوء استفاده از تاکیدیات آیت الله منتظری و از اطلاعاتی مقامات مسئول می کشاند، شکست خواهد خورد. ولی به یاد داشته باشیم که آنها، هنوز می توانند مشکلاتی جدی ایجاد کنند، جامعه را در تنگنا قرار دهند، تشنج آفرینی کنند، قحطی و گرسنگی بیاورند، بمثابه ستون پنجم دشمن علیه انقلاب خرابکاری کنند.

باید هر چه زودتر و هر چه قاطع تر به مردم، برارنگ و فساد، غارت و ستم نظام بزرگ مالکی پایان داد و نباید گذاشت که آخرین دست و پا زدن های ضد انقلابیون فئودال خیلی طول بکشد و خرابی به بار آورد. هر چه زودتر باشد، بیشتر به نفع انقلاب است. هر چه قاطع تر باشد، بیشتر به نفع توده مردم است، به ویژه در این شرایط حساس جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی
وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده
و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

ضرورت

در اجرای تحولات بنیادی در جامعه خود بشویم.

ایجا دستگیریات اساسی در تنظیم و تصویب بودجه کشور، منجمله استقرار اساسی منابع درآمد بودجه برداریات مالیاتهای مستقیم، یعنی اخذ مالیات بر درآمد های تصاعدی، که باید از شرکتها، سرمایه داران، زمین داران، مستخلف داران، ارت و نظائر آن گرفته شود، یکی از تضمینات بسیار مهم انقلابی است.

ضرورت چنین اقدامی که خوشبختانه مقامات دولت انقلابی نیز بدان توجه دارند، نه تنها از مقتضیات ویژه ای ناشی می شود که حالت اضطراری جنگ برای کشور ما پیش آورده است بلکه تجدید نظر و انجام تغییرات بنیادی در اخذ درآمدهای بودجه از راه مالیاتهای مستقیم بر سرمایه و ثروت، به هر شکلی که فعالیت داشته باشد، از ضرورت های تحقق واقعی انقلاب ضد امپریالیسم و خلقی، در عمل است. تصمیم دولت انقلاب، چنان که در ابتدا به اظهارات وزیر مشاور اشاره کردیم، دارای یک چنین اهمیتی است.

طبیعی است که نه تنها از نظر منابع درآمد، بلکه از نظر هزینه ها نیز باید در بودجه تجدید نظر شود و در آن تغییرات بنیادی در جهت تحقق هدفهای اقتصادی - اجتماعی انقلاب به عمل آید. اما این بحث دیگری

پس اربابان باید بدانند که قانون به قوت خود باقی است و حتماً و مسلماً عملی می شود و ستاد مرکزی واگذاری زمین هم باقی است و همچنان عمل می کند و مرجع رسیدگی است. به اربابان باید فهمانده شود که جلوی انقلاب ما و خواست حقه دهقانان و پیشرفت جامعه را نمی توانند بگیرند. نیروی لیبرالها در مقامات مختلف سابقاً بیشتر و حالا کمتر - که "شوراهای کشاورزی" مرکب از بزرگ مالکان و واسطه ها، مظهر آن بوده هستند - عاجز تر از آن است که بتوانند جلوی انقلاب را بگیرند. تزویر روحانی نمایان و عاظ السلاطین و عاظ الملکین که اعمال فشارها بر هیئت های ۷ نفری و تعویج کار آنها و فتواهای کذافی و تکفیرهای مظهر آن بوده و هست، زبون تر از آنست که از عهده انقلاب برآید. والته عمال زور و خرابکاری مستقیم، که تخریب مزارع و شخم زدن زمین های زیر کشت، با سوء استفاده از تاکیدیات کشت بیشتر و فرصت طلبی از تعویج عملی واگذاری زمین، مظهر آن شده است نیز در برابر انقلاب شکست خواهد خورد. این واقعیت را دهقانان زحمتکش ایرانی باید بداند و آگاهی خود، با تکفیر نهاد های انقلابی و همکاری با بسیاری از عناصر شریف و متعهد سپاه و جهاد و هیئت های ۷ نفری، با مشارکت خود در اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب و حضور خود در صحنه بزرگ رویارویی حق و باطل، به اربابان ستمگر خواهند فهماند. دیگر دوران حقه بازیها، زورگوئیها، تزویرها و سوء استفاده ها به سر آمده است. انقلاب برای آنکه تحکیم و پیروز شود، باید به جلو رود و خس و خاشاک بزرگ مالکی را از سر راه بردارد، باید از این جریان پند گرفت و دید چقدر اجرای هر چه زودتر قانون ضرورت حیاتی دارد. مالکان بزرگ از تاخیر و تعویج سوء استفاده می کنند، تا به انقلاب ضربه زنند و منافع غارتگرانه خود را حفظ کنند.

وظیفه مبرم همه دهقانان است که توصیه کشت هر چه بیشتر را عملی کنند. وظیفه مبرم همه مقامات است که اجرای هر چه سریع تر قانون واگذاری زمین ها را تأمین کنند.

دهقانان، مقامات مسئول و متعهد، نهادهای انقلابی باید دست در دست هم این دو وظیفه را، که با هم ارتباط نزدیک دارند، به انجام رسانند. این دو وظیفه لازم و ملزوم یکدیگرند. بزرگ -

بقیه از صفحه ۳

ضرورت تغییر بنیادی در بودجه و مالیاتها در دوران پس از انقلاب

چنین بوده است وضع بودجه و مالیاتها در کشور ما. اگر این وضع ادامه می یافت، جای تعجب بود. در هم نوردیدن چنین بساط غارتگری - که ما فقط به یک گوشه آن در مسائل مالیاتها و به نام درآمد بودجه اشاره کردیم - توسط انقلاب ضد امپریالیسم و خلقی امری کاملاً طبیعی و قانونمند است.

اکنون انقلاب بزرگ خلق ما به رهبری امام خمینی پیروز گشته و کاملاً های اولیه مهمی را نیز در سرکوب ضد انقلاب و توطئه های گوناگون امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با موفقیت برداشته است. جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام به عنوان دشمن توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی علیه موجودیت جمهوری اسلامی ایران سرنوشتی جز شکست ندارد. توطئه های دیگر ضد انقلاب داخلی و امپریالیسم آمریکانیز همین سرنوشت را خواهد داشت و قادر به گزند اساسی به انقلاب ایران

تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی، راه را برای تشکیل جبهه متحد خلق هموار خواهد کرد

نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

جلسه نوبتی «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسشهای مطرح شده در این جلسه پاسخ گفت. بخشهایی از این «پرسش و پاسخ» در شماره‌های قبل نامه «مردم» به چاپ رسید و بقیه آن در این شماره درج میگردد.

س: روابط سیاسی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای سوسیالیستی چگونه می بینید و به نظر شما گرایش آینده این روابط در چه سمتی خواهد بود؟

ج: در این مورد باید گفت که در این زمینه از طرف کشورهای سوسیالیستی، از طرف جامعه کشورهای سوسیالیستی، هیچ مانعی وجود ندارد، به استثنای چین که از این جامعه به کلی کنار رفته و سیاست همکاری با امپریالیسم و مآلا سیاست خصومت با انقلاب ایران را در پیش گرفته و الان هم همه اطلاعات می رسد که چین به عراق کمکهای تسلیحاتی قابل ملاحظه می کند، زیرا چین مقداری از سلاحهای عمومی عادی شوروی را دریافت کرده و از روی آنها خودش هم می سازد و می تواند کمکهای تسلیحاتی خیلی زیادی به عراق بکند. چین و مصر الان به عراق در رزمه تسلیحاتی، چه قطعات بزرگ و چه جنگ افزارها کمک می کنند.

تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی از همان ابتدای انقلاب ایران، ارزیابی بسیار مثبتی در باره انقلاب ایران داشتند و پشتیبانی همه جانبه خودشان را برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران، نه یک دفعه، نه دو دفعه، بلکه همواره در هر موقعیتی اعلام کرده و آمادگی خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته اند. پس از آن طرف، ما کوچکترین مانعی نمی بینیم. در جریان اخیر هم، علی رغم تمام تحریکات محافل امپریالیستی و محافل افراطی ضد کمونیست در ایران و خبرگزاریهای امپریالیستی که کوشیده اند اعلام رسمی دولت شوروی را در مورد خودداری از کمکهای تسلیحاتی و جنگ افزار به عراق، تخطئه کنند یا مسکوت بگذارند، مقامات مسئول ایران علنا اظهار داشتند که دیگری مانند اتحاد شوروی به این تعهد و موضع گیری خودش وفادار است و به هیچ عملی برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران تن در نخواهد داد. بدین ترتیب کشورهای سوسیالیستی از طرف خودشان آمادگی برای کمک اقتصادی، کمک فرهنگی، کمک سیاسی، کمک اجتماعی، برای هرگونه کمکی که ایران به آن احتیاج داشته باشد، ابراز نیت نمودند. آنها به کرات گفته اند که آماده هستند برای توسعه صنایع ایران، برای انعقاد قراردادهای دراز مدت، برای تجارت با ایران، برای خرید نفت از ایران. اخبار همه اینها را ما در روزنامه ما داریم.

و اما از طرف ایران وضع چگونه است؟ شرایط عینی جامعه ایران، محاصره اقتصادی، کوشش برای پایان دادن به وابستگی اقتصادی به امپریالیسم، تلاش برای ایجاد صنایع پیشرفته در ایران به عنوان پایه یک اقتصاد نیرومند خلقی مستقل، همه اینها حکم می کند که ایران از این موضع گیری مثبت کشورهای سوسیالیستی برای همکاری کاملی غرضانه دو طرفه، برپایه برابری کامل و به سود دو طرف، استقبال کند. در محافل جاکمه ایران در این زمینه سه برخورد وجود دارد: یک برخورد واقع بینانه به این واقعیت جهانی، یک برخورد خصمانه وابسته به امپریالیسم و یک برخورد کوتاه نظرانه و قشری که وابسته به امپریالیسم نیست، ولی نتیجه عملی اش تقریباً همان است. این سه برخورد در دولت مردان ایران کاملاً مشهود است.

موضع وابسته به امپریالیسم و تا حدود زیادی هواداران نزدیکی به اقتصاد غرب روشن است. آنها هرگونه نزدیکی اقتصادی، هرگونه توسعه همکاری اقتصادی بین ایران و کشورهای سوسیالیستی را مخالف منافع خودشان می دانند، برای اینکه خوب، این تجاری که از کشورهای امپریالیستی جنس وارد می کنند، منافع عظیمی می برند. مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی معمولاً مهمترینشان یک پایه معاملات دولتی است و معاملات دولتی دیگر به این لیبیرالها اجازه نمی دهد که از این محل میلیون ها سود ببرند. مثلاً برای کارخانه ذوب آهن که دیگر نمی توانند مثل کارخانه های دیگری که از امپریالیسم می خرند، چندین میلیارد بگیرند. به این ترتیب آنها، هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ بهره کشی، هم از لحاظ سیاسی با توسعه همکاریهای اقتصادی ایران و اتحاد شوروی مخالفند، چون چنین توسعه ای نفوذ امپریالیسم در ایران، نفوذ حامیان آنها را در ایران، محدود می کند و لذا با تمام قوا کار شکنی می کنند.

گرایش دوم، گرایش قشرهای کوتاه بین است. آنها تصور می کنند که هرگونه همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، وابستگی می آورد. آنها از وابستگی و استقلال تصورات عجیبی دارند. خیال می کنند که اگر مایک معامله اقتصادی بزرگ برای ایجاد مثلا کارخانه ذوب آهن انجام دهیم، این کارخانه، کارخانه کمونیستی می شود و اندیشه های مارکس از طریق ماشین آلات به آنجا رسوخ می کند. خوب، این طرز تفکر، علی رغم آن که اینها می خواهند به استقلال ایران خدمت کنند، نتایج فوق العاده دردناک به بار

می آورد. به عقیده آنها برای جلوگیری از «وابستگی» باید رفت طرف زاپرو آلمان غربی و... و به وسیله آنها صنایع بنیادی را تدارک دید و یاباید از کشورهای دیگر که در آن اردوگاه نیستند، این چیزها را گرفت و این مفهوم «وابستگی» نیست. ولی ما می دانیم که حتی خرید از کشورهای امپریالیستی، چنانچه سیاست یک کشوری کاملاً مستقل باشد، می تواند به استقلال آن ریان نزند، یعنی تاثیر تعیین کننده نداشته باشد. به این ترتیب این نظر، در عمل تقریباً هماهنگ می شود با آن نظر هواداران نزدیکی مطلق به غرب، چون بالاخره امتناع از همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، آخرش به آنجا خواهد کشید که باید رفت طرف غرب و غرب هم همین را می خواهد. گرایش سوم که در رهبری اقتصادی سیاسی ایران وجود دارد، گرایشی واقع بینانه است. دارندگان این گرایش فکر می کنند که ما می توانیم در عین حفظ کامل تمام شئون استقلال ایران، روابط وسیع اقتصادی، صنعتی، تجاری با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای آزاد و مستقل جهان داشته باشیم، منتهی بخش مهمی از این کشورهای آزاد و مستقل جهان نمی نوانند احتیاجات صنعتی ایران را برآورده کنند. از آن جمله اند، مثلا سوریه، لیبی، تانزانیا، آنگولا، حتی هند و حتی ویتنام. اینها امکانات صنعتی به آن شکل ندارند که بتوانند احتیاجات کشوری را که می خواهد خیلی رود پایه های صنایع بزرگ خودش را، برای نیل به استقلال اقتصادی به وجود بیاورد، رفع کنند.

بنابراین برقرار کردن روابط اقتصادی وسیع با کشورهای سوسیالیستی، برای رفع احتیاجات ایران در زمینه توسعه صنایع و دیگر زمینه های حیاتی اقتصادی ایران، یک ضرورت حیاتی و عمده است. هستند نیروهایی که این طور فکر می کنند، اهمیت این مسئله را درک می کنند و می کوشند به دوستان خود و به همه مبارزان هم سنگر خود بفهمانند. کسی این مسئله ابداه از دست دادن استقلال منجر نخواهد شد. خوب، الان قسمت قابل ملاحظه ای از احتیاجات وارداتی ایران حتی از اروپای غربی، از راه اتحاد شوروی به ایران می آید. قراردادهای ترانزیت اخیری هم که بسته شد، توسعه این امکانات بود. خوب، ما می بینیم این کالاها که از اینجا رد می شوند به ایران می رسند، کمونیستی نمی شوند! ما امیدوار هستیم که در زمینه های دیگر مناسبات اقتصادی نیز به همین نتیجه برسند که می توان روابط ترانزیتی و مناسبات خیلی وسیع با کشورهای سوسیالیستی داشت و در این زمینه، از امکاناتشان استفاده کرد، بدون این که استقلال ایران از بین برود. آنها که فکر می کنند استقلال کشور یعنی این که ما اصلاً هیچ گونه رابطه سیاسی و اقتصادی، با هیچ جای دنیا نداشته باشیم، به نظر ما دنیا را اصلاً نمی شناسند، نولات دنیای کنونی ما و تغییراتی را که در آن پیدا شده، نمی دانند. چون به این حساب اگر بگیریم، هیچ کشوری در دنیا اصلاً استقلال ندارد. حتی به قول خودشان «ابر قدرت ها» تجارت خیلی وسیعی بین خودشان دارند. حتی امروز هم مبادلات بازرگانی و اقتصادی بین آمریکا و شوروی، با وجود محاصره اقتصادی آمریکا علیه شوروی، هنوز قطع نشده و در بخش مهمی از کالاها هنوز با هم مبادلاتی دارند. چیزهایی می خرند و می فروشند. مبادله چیزی است که در تمام تاریخ جامعه بشری وجود داشته است. ما ناچاریم مقداری از احتیاجات خودمان را از طریق مبادله کالایی تامین کنیم که خودمان زیاد داریم و زیاد تولید می کنیم. این که کشوری، هر قدر هم بزرگ، بتواند تمام احتیاجات خودش را به بدون هیچگونه مبادله ای با خارج تامین بکند، چنین چیزی وجود ندارد و تصوراتی که ایران بتواند چنین وضعی را به وجود بیاورد، به نظر ما تصور کودگانه ایست و از ناآگاهی به واقعیت های اقتصادی و جهان امروز ما سرچشمه می گیرد. ما امیدوار هستیم و کوشش ما در این جهت است که همکاری اقتصادی ما با کشورهای سوسیالیستی که مثل همه همکاری های دیگر ایران با کشورهای سوسیالیستی، برپایه منافع متقابل و برابری کامل استوار است، توسعه یابد و شناخت این واقعیت که به نفع اقتصاد ما است، هر روز در مقامات حاکمیت کشور ما، بیشتر قوت بگیرد. این است امید ما و اینست کوشش ما.

س: گزارش خبرگزاری پارس در مورد «کانون فرهنگی جنوب» که در روزنامه های «میزان» و «کیهان» چهارشنبه چاپ شده است، تا چه حد صحت دارد؟

ج: این گزارش از اصل و از پایه و در همه جزئیاتی که به ما نسبت داده شده، سراپا دروغ است. ساختگی است، خنده آور است. به نظر ما تمام اتهاماتی که در این زمینه به ما زده اند، ساخته عوامل دشمن است. در این تردیدی نمی شود داشت. واقعیت جریان این است که آن ساختمان سهیلوک دارد. دبلوک آن، قسمت قابل ملاحظه اش، مسکونی است و در یک گوشه اش هم کارهای فرهنگی انجام می گرفت. و اما بلوک سومش مدت ها پیش از آنکه دوستان ما، آنجا به کارهای فرهنگی مشغول شوند، توسط گروهی که معلوم بود از اوباش محل هستند، به بهانه تاسیس درمانگاه معتادین اشغال شد و حتماً آنجا است که لایه برای هروئین و این جور چیزها مورد استفاده قرار گرفته است. چند روز پیش پاسداران به آن قسمتی که بعضی از رفقای مادر اتاقی به سواد آموزی و کارهای عادی کارگری مشغول بودند، مراجعه کردند

و رفقای ما را هم گرفتند و بردند. همه جا را هم گشتند، ولی دبلوکی که دوستان ما در اختیار داشتند هیچ چیزی پیدا نکردند. از دوستان ما هم که هفت نفر بودند، ۴ نفرشان را آزاد کردند و سه نفر دیگرشان را هم گفته اند فردا یا پس فردا آزاد می کنیم. نماینده حزب ما هم رفته آنجا که مطلب را روشن کند. در عین حال ما به سیاه پاسداران شکایت کرده بودیم که آقا در بلوک پهلویی که اوباش اشغال کرده اند، مدت ها است که اطباء دوست ما، اطباء مبارز انقلابی، می خواهند یک درمانگاه مجانی برای مردم ترتیب بدهند، ولی این اوباش به زور آنجا را گرفته اند و ما نمی دانیم اینجا چه می گذرد و هر چه ما شکایت کردیم که اینها را بیرون کنید، با آنکه رای کمیته مرکزی هم برای بیرون کردن آنها صادر شده بود، کسی ترتیب اثر نداد.

روز قبل از این جریان هم ما شکایت کردیم که شما بیاید برای بیرون کردن آنها اقدام کنید. آنها هم وعده دادند و رفتند آنجا. ممکن است همه آن چیزهایی که می گویند، در آنجا پیدا کرده باشند، چون خود ما هم سوطن داشتیم و فکر می کردیم که چنین چیزهایی در آنجا پیدا شود. ولی بعد آمده اند، ما را که شکایت کرده ایم، به عنوان شریک آنها جلوه داده اند. درست مثل این است که کسی که در دهانه اش رده، بیاید بگوید که آقا من دزدی شناسم، اثاث من را برده و فلان جا پنهان کرده، نشانی آنجا را هم بدهد. بعد بیرون اثاث را بیرون بیاورند، ولی خود صاحب خانه را هم بگیرند و بگویند دزد این اموال، تو هستی! باید کمی هم معرفت داشت و دانست که این لکه ها به حزب توده ایران نمی چسبند! خوب، ما از این بیرون سازی های ابلهانه نمونه های دیگری هم داریم. من یکی از آنها را برایتان تعریف می کنم که الان بیرونده اش حاضر است. چند وقت پیش از آن که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ما را بگیرند، یک روز در «اطلاعات» و «کیهان» اطلاعاتی وسیعی چاپ شد که مرکز فعالیت تخریبی عزالدین حسینی در تهران اشغال گردیده و در این خانه افراد بیوبی سیم و وسایل مختلف آمریکایی، مشروبات و همه چیز کشف شده است. یک خبر عریض و طویل. وقتی آدرس این خانه را خواندیم دیدیم درست همان جایی است که پنج ماه پیش یعنی در اردیبهشت ماه، چند تا ماشین چاپ دستی متعلق به حزب، در آنجا جمع بود. غلتش هم این بود که به ما خبر رسیده بود که می خواهند به مرکز حزب حمله کنند. ما این ماشین ها را برداشتیم ببریم کجا، قایم کنیم. همان وقتی که آنها را می بردیم، برخورد کرد به دورانی که چریک ها جابجا می شدند و محل روزنامه «کار» و غیره مورد تعقیب بود. همان موقع ما مورین اطلاع داده بودند که در این خانه هم یک چیزهایی می آید و می رود، رفتند آنجا ریختند توی خانه و ماشین ها را گرفتند. دو نفر راهم که اهل آن خانه بودند گرفتند، ولی بلافاصله آزاد کردند و شاید ۲۴ ساعت هم نگه نداشتند. آنجا فقط ماشین چاپ بود که گفتند صاحبش اینجا و آنها را تحویل بکند. ما هم از طرف حزب در آن تاریخ، در اردیبهشت ماه یا زودتر، نامه نوشتیم به کمیته مرکزی، به دادستانی، که این ماشین های چاپ مال حزب توده ایران است، اینها را به ما پس بدهید. آنها هم چندین باره ما وعده دادند که خوب، پس می دهیم. جریان به همین سادگی بود. ولی این جریان ساده تبدیل شد به «کشف ستاد عملیاتی» عزالدین حسینی در تهران و فلان و فلان. برادر رفیقی که به علتی در زندان بوده، پس از مشاهده آن اعلامیه در «اطلاعات»، به کمیته مربوطه مراجعه کرد و گفت آقا واقعیت جریانی که شما «کشف کرده اید» این است. از کمیته مربوطه هم نامه نوشتند به کمیته مرکزی و تصریح کردند که همه مطالب آن اعلامیه دروغ است. ما رفتیم آن خانه را گشتیم، غیر از چهار تا ماشین چاپ و مقداری کاغذ هیچ چیز دیگری در آن نبوده، نه بی سیم بوده و نه فلان و فلان. یعنی چه که یعنی جریانی هست، افرادی در نهاد های پایین هستند که با تمام قوا می خواهند علیه حزب توده ایران پرونده سازی کنند. این هم یک نمونه دیگرش. در آینده هم حتماً نمونه های دیگری درست خواهد شد. این یکی از شکردهای ضد انقلاب است که عوامل قشری محدود تنگ نظر خیلی آسان به دام آن می افتند. خیال می کنند که اگر حزب توده ایران را به این شکل بدنام کنند، خیلی موفقیت تاریخی ای برای انقلاب ایران پیدا کرده اند. البته ما برای کسانی که این دروغ های شاخ دار را می سازند، شرافت و حیثیتی نمی توانیم قائل شویم. ما علیه کسانی که این خبر را منتشر ساختند، علیه مخبر خبرگزاری پارس و علیه کسی که این اطلاعات را داده، اعلام جرم کردیم. به تمام مراجع قانونی شکایت کردیم. خوب، البته خیلی هم امیدوار نیستیم که به این شکایات ما رسیدگی شود، نه به همان دلایلی که در اول صحبت امروز به آن اشاره کردم، بلکه به این دلیل که فعلاً هر کسی در هر جا که هست، حکومت مطلق ندارد و هیچ مرجع مرکزی هم نیست که حرفش تاثیر قطعی داشته باشد. به خیلی جاها ما مراجعه می کنیم، خیلی هم حسن تفاهم نشان می دهند و تصدیق می کنند که حرف ما واقعاً درست است، خیلی از این اعمال خلاف قانون علیه حزب توده ایران انجام می گیرد. ولی عملاً هیچ مرکزی که بتواند به این مسائل برسد و واقعا دادخواهی بکند، هنوز بوجود نیامده است.

در مطبوعات کشور

توطئه آواکس را در جهان افشاء کنیم!

وزارت خارجه چرا ساکت نشسته است؟
بعد از وارد شدن ضربات کوبنده ارتش اسلام بر پیکر ارتش مزدور رژیم عراق و بعد از نابودی سریع قسمت اعظم منابع اقتصادی و سوختی عراق، آمریکای جنایتکار، که از نابودی رژیم مزدور خود بهراس افتاده بود، اقدام به ارسال چهار فروند هواپیمای مجهز به رادارهای آواکس به عربستان کرد.
این رادارها که بر روی هواپیمای غولپیکر نصب شده تا ۴۰۰ مایل برد داشته و مسلما با حرکت هواپیمای بر بردشان افزوده خواهد شد و خواهند توانست حرکت هواپیمای کشتیها و حتی حرکت مستونهای نظامی را تا حد نهای برد خود مشخص سازند.
تحويل این رادارهای پرنده به عربستان سعودی که در گرمای گرم نبرد توام با پیروزی نیروهای جمهوری اسلامی با رژیم مزدور عراق انجام گرفت هیچ معنی و مفهومی بجز کنترل حملات تهاجمی نیروهای جمهوری اسلامی ایران ندارد و آمریکا بدینوسیله خواسته است حملات ایران را به اطلاع مزدوران عراقی برساند.

دولت جمهوری اسلامی ایران رسماً و نیز ضمن نطق محمدعلی رجایی در شورای امنیت سازمان ملل به این عمل امپریالیسم آمریکا اعتراض کرده و آنرا دلیل باززد دخالت آمریکا در جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران محسوب داشته است. اما این مسئله نه به آنگونه است که تنها به یک اعتراض بسنده کرده و در مورد آن سکوت اختیار کرد.

در خارج از ایران نیز کشور لیبی به حضور «آواکس»های آمریکایی در عربستان اعتراض نموده است، اما آنچه از کل جریان پیداست این نکته بسیار مهم است که این جنایت بسیار بزرگ آمریکا تاکنون، کماهو حقه افشاء نشده است.

در این مورد رادیو تلویزیون و بخصوص بخش زبانهای خارجی رادیو باید بسرعت دست به کار شده و به تمامی دنیا اعلام کند که آمریکا پس از جنایات پنجماهه قبل از انقلاب و پس از جنایات فجیع و توطئه‌های ردیلا نه بعد از انقلاب، اکنون نیز که بوسیله مزدوران یعنی خود جنگ تحمیلی را ایجاد کرده، با تحويل رادارهای پرنده «آواکس» ورق تازه‌ای بر توطئه‌ها و جنایات خود افزوده است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران باید سریعاً در این مورد اقدامات لازمه را بعمل آورده و ضمن اعتراض به رژیم عربستان سعودی، تمامی کشورهای را علناً و رسماً در جریان این توطئه آمریکا قرار دهد، تنها بدینصورت است که آمریکا در برابر تهاجم افکار عمومی در برابر افشای جنایاتش در سکوت شکست خواهد نشست.
(پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران - ۱۷ آبان ۵۹)

امنیت قضائی...

بقیه از صفحه ۱
تاریخ، حزب توده ایران در میان همه احزاب، سازمانها و نیروهای ملی، دمکراتیک و انقلابی ایران، پیش از همه و پیش از همه از نقض و فقدان این اصول و ارکان صدمه دیده، تلخی چشیده و فاجعه کشیده است. بیسپاسات تاریخ، در دوران سلطنت ننگین خاندان مغزپهلوی، درست بعلافت فقدان آزادی و فقدان امنیت قضائی و نقض قانون، دهها هزار نفر (آری دهها هزار نفر) از بهترین افراد و هواداران حزب توده ایران، بدست دژخیمان شاه نسوخته امپریالیسم در سرتاسر ایران و در جریان خیزشهای انقلابی، بخون غلیظیده‌اند و عده‌ای برآب بیشتر از این، به تبعید محکوم و یا به مهاجرت و جلائی وطن مجبور گشته‌اند.

آری، ما طرفدار صدیق و اصولی امنیت قضائی، آزادی و قانون هستیم و یکی از وظایف یومیه‌ما، مبارزه در راه تامین همین مواهب بزرگ اجتماعی و انسانی است. ما از مدافعان سرسخت آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستیم، که یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ماست. ما برای تحقق این آزادیها و تثبیت و تحکیم و گسترش این دستاورد بزرگ با تمام توان خود مبارزه کرده‌ایم، می‌کنیم و خواهیم کرد.

و اما سئوالی که در این زمینه مطرح میشود و پاسخ خود را میطلبد، اینست که: آیا امنیت قضائی، «قانونیت» و «آزادی» شامل حال همه افراد، گروهها، سازمانها و احزاب و افراد

به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میشود و یا فقط به افراد و گروههای معین منحصر می‌گردد؟

اگر این اصول برای همه افراد، گروهها، سازمانها و احزاب و افراد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تقسیم‌ناپذیر و خدشه‌ناپذیرند، پس چرا در اواخر مرداد پارسال، یعنی در دوران دولت موقت، که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بیدلیل مبر و موم شد و نامه «مردم» به دلیل توقیف گردیده، صدای اعتراضی از همین محافل که امروز «قانونیت» و «آزادی» می‌نالند، بلند نشد؟ پس چرا امسال، که

باردیگر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه «مردم» در تهران و بسیاری از شهرستنها بدست عده‌ای از افراد غیرمسئول اشغال شد و هنوز هم اشغال است، صدای اعتراضی از همین محافل علیه این عمل غیرقانونی شنیده نشد؟ پس چرا وقتی همین چندپیش باز هم نامه «مردم» بیدلیل بطور موقت تعطیل شد، صدای اعتراضی از همین محافل شنیده نشد، برعکس، این محافل شادمانی خود را از جمله با کشیدن و چاپ کردن کاریکاتور توهم‌آمیز در برخی روزنامه‌ها علیه حزب ما و نامه «مردم» نشان دادند؟ پس این چگونه «آزادیخواهی» و طرفداری از «امنیت قضائی» و «قانونیت» است؟ و یا طرفداری از «بحث آزاد» و «امکان اظهار نظر آزاد». قریب دوسال از انقلاب می‌گذرد. در این مدت افراد مختلف از طریق رادیو و تلویزیون به جهان بینی حزب توده ایران تاخته‌اند، تاریخش را جعل کرده‌اند، سیاستش را تحریف کرده‌اند، روشش را زارونه جلوه داده‌اند، دشنام گفته‌اند، افترا زده‌اند، ولی تا بحال حتی یکبار امکان و اجازه جواب‌گویی به حزب ما ندادند، و آنوقت همین محافل طرفدار «بحث آزاد» و «امکان اظهار نظر آزاد» اصلاً اعتراض به این کار نکرده‌اند که سهل است، غالباً خود مبتکر این تهاجم یکجانبه بوده‌اند.

پس این چگونه «بحث آزاده» است که فقط یک طرف در آن شرکت میکند و این چگونه دادگاهی است که در آن فقط اتهام‌زننده حق حرف‌زدن دارد؟ باردیگر تکرار می‌کنیم که: ما طرفدار سرسخت امنیت قضائی و قانونیت و آزادیهای فردی و اجتماعی هستیم و این حقوق را برای کلیه احزاب، نیروها، مطبوعات و افرادی که از انقلاب

و جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و خلقی اسامام خمینی صادقانه پشتیبانی میکنند، بطور یکسان خواهیم. ما معتقدیم که فقط امنیت قضائی، قانونیت، آزادی احزاب، نیروها، مطبوعات، اجتماعات و افراد انقلابی است که به انسجام آنها و نتیجتاً به تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران بسود خلق منجر میگردد. این حقوق مسلم اجتماعی باید بدون کوچکترین تبعیض و حب و بغض، درباره همه احزاب، نیروها، مطبوعات و افراد و افراد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مراعات و اجرا شود و نقض این حقوق مسلم اجتماعی که خلاف قانون اساسی است، باید جرم تلقی گردد.

و اما نکته اساسی دیگر اینکه، آزادی در یک جامعه طبقاتی، دارای سرشت طبقاتی است.

ما آزادی را برای مستضعفان و مردم زحمتکش و محروم و غارت‌شده ایران و نمایندگان سیاسی و مذهبی و اندیشه‌های آنان میخواهیم، ولی در مقابل توده‌های عظیم خلق، طبقات طاغوت-آفرین، یعنی سرمایه‌داری وابسته و کلان زمین‌داران و عمال آنها و حامیان خارجی آنها وجود دارند که طاغوتشان سرنگون شده و حالا برای ادامه حیات و سلطه غارتگرانه خود میخواهند - یا کمک شیطان بزرگ آمریکایی جبهه‌خوار - یک شبه طاغوت و یا طاغوت‌واره جدید درست کنند و برای اینکار «امنیت» و «قانونیت» و «آزادی» می‌طلبند. آزادی خلق با آزادی اینان در یکجا نمی‌گنجد، کما اینکه آزادی‌میش با آزادی‌گرک از پایه و اساس متضاد است. بگفته شاعر: ترحم بر پلنگ تیز دندان - ستمکاری بود بر گوسفندان

لذا باید میان این آزادی (آزادی خلق) و آن آزادی (آزادی طبقات ضد خلق) یک مرز مشخص روشن کشید، هر کس که مدعی طرفداری از آزادی است، باید روشن سازد که در کدام سوی این مرز قرار دارد. اگر در سمت آزادی برای خلق قرار دارد که نباید و نمی‌تواند طرفدار آزادی طبقات و نیروهای ضد خلق هم باشد و برآب اولی نباید و نمی‌تواند بعنوان دفاع از آزادی، عملاً خود را در سراسیمه قرار دهد که خودبخود خواسته و ناخواسته، در کنار نمایندگان طبقات و نیروهای ضد خلقی قرار گیرد.

از تاریخ دوردست میگذریم. طبقات ضد خلقی، یعنی سرمایه‌داران وابسته و کلان زمین‌داران و عمال و بیانگران سیاست و اندیشه‌های آنان، در دوران سلطنت ننگین خاندان مغزپهلوی با پشتیبانی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، آزادانه خلق زحمتکش ما را چاییده‌اند، آزادی این خلق ستمدیده را آزادانه پایمال کرده‌اند، استقلال این خلوق شریف را آزادانه بریاداده‌اند و «انقلاب سفید» و «تمدن بزرگ» شان را هم آزادانه بمعرض نمایش گذاشته‌اند.

مردم ایران با انقلاب عظیم خود آن نظام غارتگر، فاسد، ظالم و دست‌نشانده را به اسفل‌التافیلین

زحمتکشان و مردم محروم ایجاد کنند. افرادی که مدعی انقلابی بودن هستند، نمی‌توانند خواهان آن باشند که آزادی باز هم به بقایای همان طبقات ضد خلقی سرنگون شده، داده شود تا بازم سوار گردد این خلق رنج‌دیده شوند.

یک آدم منصف، اگر وجود طبقات را هم انکار کند، ولی وجود دزد و صاحب‌خانه را که انکار نخواهد کرد، دزدی وجود دارد بنام امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صاحب‌خانه‌های وجوددار بنام مردم ایران. یک آدم منصف بطرفدار علم و حقیقت، آزادی آن دزد و عمال ایرانی‌نمای آنها با آزادی این صاحب‌خانه رنج‌دیده چگونه در یکجا می‌گنجد و چگونه بر خود روا میداند که بعنوان دفاع از آزادی، در کنار کارگران و عمال آن دزدجانی جهانی قرار بگیرد؟

این روشنگری و تلاش و هشدار صمیمانه ما برای کلیه کسانی است که صادقانه میخواهند خدمتکار خلق و راه‌حق باشند. جبهه انقلاب، جبهه خلق، جبهه حق - آنست که بر اطراف امام خمینی گرد آمده و انقلاب ایران را به پیروزی رسانده و امروز در نهایت صلابت و استواری در برابر ضد انقلاب جهانی و داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قد علم کرده است. هر عمل، بحث و مشاجره‌ای که به تضعیف این جبهه و این رهبری منجر شود، خودبخود کیفیت ضد انقلابی و ضد خلقی خواهد داشت و بزبان انقلاب و محتوای انقلابی جمهوری اسلامی ایران تمام خواهد شد.

چشم و گوش خود را باز کنیم و از افتادن در راهی که سزاوار انسان انقلابی نیست، احتراز جوئیم.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- سازمان حزب توده ایران در دماوند ۹۰۰۰۰ ریال
- ص. از شهر کرد ۵۰۰۰۰ ریال
- از صندوق کمک به فراخوان حزب ۱۵۰۰۰ ریال
- ش. از شهر کرد ۱۰۰۰۰ ریال
- جهان از شهر کرد ۳۰۰۰۰ ریال
- جمع آوری در جشن عروسی - ز ۲۳۵۰۰ ریال
- جمع آوری در جشن عروسی، ز ۱۲۵۰۰ ریال
- از سازمان حزب در شهر کرد ۲۰۰۰۰ ریال
- رضا از شهر کرد ۵۰۰۰ ریال
- خانواده آزاد ۲۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل)



اطلاعات، ۵۹، ۲

بقیه از صفحه ۱ عربستان سعودی به رژیم...

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، که امپریالیسم آمریکا با هدف براندازی جمهوری اسلامی ایران، تمرکز نیروهای مسلح و تدارکات جنگی خود در منطقه خلیج فارس را تشدید کرده، عربستان سعودی نیز تاسیسات و پایگاههای نظامی خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار داد و واحدهائی از نیروهای آمریکائی واکتس سریع، که به این منطقه اعزام شدند، در پایگاههای عربستان سعودی استقرار یافتند.

پس از آغاز جنگ خانمانه زارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم آمریکا چهار فروند هواپیمای آواکس در اختیار عربستان سعودی قرار داد. این هواپیمای با دستکاهای الکترونی استراق سمع و رادار، فعل و انفعالات را زیر کنترل قرار میدهند و در واقع مراکز جاسوسی و کسب اطلاع سیار آمریکا در این منطقه هستند. دولت آمریکا با واگذاری هواپیمای آواکس به

این منطقه است. نقش و موضعگیری عربستان سعودی و دیگر رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا که همه کشورهای «اسلامی» هستند در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از یکسو و مواضع بیکیفر و قاطعانه کشورهای عضو جبهه پایداری یعنی الجزایر، سوریه، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمین و سازمان آزادیبخش فلسطین از سوی دیگر، نمایانگر این واقعیت است که مرزبندی میان دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با معیارهای انقلابی و ضد انقلابی، خلقی و ضد خلقی، وابستگی و سرسپردگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عدم وابستگی و استقلال و مبارزه علیه امپریالیسم میتوان مشخص کرد، و تشخیص دوستان و دشمنان واقعی انقلاب بر طبق همین موازین و معیارهاست که می‌تواند مواضع و پایگاه پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، چه در منطقه و چه در سطح جهانی، استحکام بخشد و موجب گسترش و انسجام جبهه ضد امپریالیستی و دفاع از آزادی و استقلال

حل مشکل مسکن یکی از وظایف اساسی دولت است

در مورد حل مشکل مسکن که یکی از مشکلات دیرینه اکثریت مردم ایران است، از زمان استقرار دولت موقت تا بحال تصمیمات متعدد و اغلب متناقض اتخاذ گردیده است. آخرین اقدام در این زمینه، تشکیل دفتر معاملات مسکن و واگذاری امر خرید و فروش مسکن به دفتر مزبور و ممنوع اعلام شدن این نوع معاملات جز از طریق دفتر مذکور است.

ساخته شده در شهرهای بزرگ و کوچک، که دارای حداقل مشخصات مورد قبول نیستند و در نتیجه لازم است که بجای آنها خانه‌های جدید ایجاد گردد، اضافه‌شود، آنوقت مشخص خواهد گردید که در زمینه تامین مسکن، کشور با چه کمبود عظیمی روبرو است و تا چه حد زحمتکشان ایران از این بابت در مضیقه هستند.

با عنایت به توضیحات وزیر مسکن و شهرسازی باید قبول کرد که، ایجاد سالانه ۶۰۰ هزار واحد مسکونی کار پراهمیتی است که در مقابل مقامات مسئول قرار گرفته و انجام آن احتیاج به زمان و بودجه قابل ملاحظه دارد. ولی با توجه به اینکه به موجب اصل سی و یکم قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است، بر دولت واجب است که اقدام بموقع برای تامین مسکن مردم بعمل آورد.

اولین قدم در جهت رفع این نیاز باید این باشد که، باور کنیم حل مشکل مسکن امکان‌پذیر نیست، مگر در ارتباط با سایر مسائل توسعه اقتصادی کشور.

برای این اعتقاد باید با توجه به اولویت منطقه‌ای به منطقه دیگر، برنامه‌های زمان‌بندی شده توسعه اقتصادی برای قسمتهای مختلف کشور تنظیم گردد، که بدینوسیله است ضمن توجه به نیازهای مختلف هر منطقه، باید رفع مشکل مسکن نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. با اجرای قسمتهای مختلف این برنامه‌ها در زمانهای پیش‌بینی شده، بتدریج کلیه نیازهای مردم قسمتهای مختلف مملکت،

از جمله مسکن بر طرف خواهد گردید. در تنظیم برنامه‌های خانه‌سازی، ضمن توجه به خصوصیات قومی و محلی، باید ایجاد مجتمع‌های بزرگ مسکونی ارزان قیمت مورد نظر قرار گیرد، تا از نظر فضا صرفه‌جویی لازم بشود و رفیع نیازهای آینده مردم به مسکن با اشکال روبرو نگردد. همچنین لازم است به صنعت خانه‌های پیش‌ساخته شده نیز از هم‌اکنون توجه شود، تا در آینده ایجاد مسکن هم سریع‌تر و هم ارزاتر ممکن شود.

منابع مالی لازم برای اجرای برنامه‌های خانه‌سازی باید در درجه اول از طریق سرمایه‌گذاری دولتی و در مرحله بعد بوسیله جلب سرمایه‌های خصوصی به این بخش تامین گردد. دولت باید برای جلب سرمایه‌های خصوصی به این بخش، سود عادلانه‌ای برای این سرمایه‌ها در نظر گیرد. علاوه بر این، بر دولت است که موجبات تشکیل شرکتهای تعاونی مسکن را به تعداد کافی فراهم کند و مردم را تشویق به عضویت در این شرکتها نماید.

بانک مسکن وظیفه دارد که کمکهای مالی لازم را با شرایط سهل در اختیار این شرکتها قرار دهد و بر امکانات خانه‌سازی آنها بیفزاید. در کنار این اقدامات اساسی، باید خانه‌های مصادره‌شده و خانه‌های متعلق به فراریان از کشور میان مردم تقسیم گردد و با اتمام ساختمانهای نیمه تمام مصادره شده، که تعداد آنها بخصوص در تهران کم نیست، و

توزیع آنها بین افراد کم‌درآمد، به رفع کمبود مسکن کمک داده شود. اگر بدین ترتیب عمل نشود و تصور گردد که حل مشکل مسکن بطور مجزا از بقیه مسائل امکان‌پذیر است، تنها فرصت‌ها را از دست داده‌ایم و در آینده با مشکلی غامض‌تر از حال حاضر روبرو خواهیم بود، که بطور قطع بر خورد با آن نیاز به کار بیشتر و منابع مالی وسیع‌تری خواهد داشت.

توضیح آنکه روبرو شدن با این مشکل بصورت منفرد و موضعی، نقل و انتقال جمعیت از شهری به شهر دیگر را بدنبال خواهد داشت و حتی در صورتی که کوتاه مدت در بخشی از کشور مشکل مسکن حل شود، خیلی زود این تعادل از طریق مهاجرت‌های داخلی برهم خواهد خورد و بر مشکل قبلی مسائل جدیدی از قبیل چگونگی تامین مواد غذایی، آب آشامیدنی، بهداشت و خدمات شهری اضافه خواهد شد.

بنابراین، دولت باید از هم‌اکنون با استفاده از نظرات کارشناسان رشته‌های مختلف، به تنظیم برنامه‌های اقتصادی برای قسمتهای مختلف مملکت اقدام کند و بر اجرای آنها نظارت دقیق اعمال نماید، تا اجرای هر جزء از برنامه در زمان پیش‌بینی شده امکان‌پذیر گردد.

بدین طریق است که می‌توان، ضمن حل مشکل مسکن در سطح کشور، برنامه‌های مربوط به پیشرفت و آبادانی کشور را نیز بموقع اجرا گذارد.

شوخی نیست...

جامعه «بی طبقه»

یکی از افراد کومله «جهان‌بینی انقلابی» گروهک خود را برای جمعی که آنکشت‌بردهان بدورش گرد آمده بودند، شرح میداد و از جمله می‌گفت:

ما طرفدار ایجاد جامعه بدون طبقه هستیم و کارهای زیادی در این زمینه انجام داده‌ایم. یک نمونه آن شهر «بی طبقه» سنندج است. در بهار گذشته، با «جنگ انقلابی» ما کاری کردیم که تمام طبقات بالائی پناه‌های شهر سرنگون شدند و فرو ریختند و کلیه آنچه در آن طبقات بود افتاد پائین، دست طبقه پائین. دیگر طبقات بالا در آن شهر وجود ندارد تا چیزی داشته باشند. باور نمی‌کنید، بروید نگاه کنید. شهر صاف صاف، هموار هموار است - بدون طبقات گوناگون. فقط طبقه پائین باقی مانده. آنهم طوری شده که دیگر قدرت‌ساختمان مجدد طبقات بالائی، یعنی احیای جامعه با طبقه را ندارد. آری، سنندج نمونه زنده آن جامعه‌ایست که کومله میخواهد بسازد. ما که موافق پول‌پوت هستیم، برای آنستکه او هم در کامبوج همین کار را کرد و اصلاً طبقه روی طبقه باقی نگذاشت. و اینکه مخالف شوروی هستیم و آنرا جامعه طبقه‌ای میدانیم، برای آنستکه در آنجا عمارات دو طبقه، بیست طبقه، سی طبقه وجود دارد...

عضو کومله داد سخن میداد، که ناگهان یکی از هواداران قاسملو، که احساس رشک و حسدش بجوش آمده بود، میان کلامش پرید و گفت:

بکلی بیخود می‌گوئی! مهاباد را ما خودمان از سنندج شما بی طبقه‌تر کرده‌ایم و فقط کمی از طبقات باقی مانده، که آنهم بزودی صاف خواهد شد. سقز را هم شما بشراکت ما بی طبقه کردید. ولی در آنجا کار یک قدری ناقص ماند. علتش هم همان کمیته سابق، در این شهر بود که مسئولش طرفدار بقای طبقات بود و لذا از دستور رهبری سرپیچی کرد و با دولتی‌ها «جنگ انقلابی» نکرد و تا توانست طبقات را سالم و محفوظ نگاه داشت. عاقبتش راهم که دیدی. حسابش را رسیدیم. بعلمت طرفداری وی از شهر طبقه‌دار، او را ربه‌ودیم و بزندانش انداختیم...

در این بگو نمگو، یکمرتبه، یکی از حضار، اعلامیه کومله (سقز) مورخ ۳ آبانماه ۵۹ را از جیبش درآورد. در آن، گروه قاسملو مورد سرزنش قرار گرفته و از تهاجم ناموفق این گروه در روز عید قربان بشهر سقز، بعنوان یک عملیات حساب نشده، نام برده شده بود. عضو کومله، مثل کسی که دلیل تازه و قاطع برای خفه کردن طرف بدستش رسیده باشد، گلوی خود را پاك کرد و روی به اطرافیان کرد و گفت:

حضرات، دیدید؟ باز هم «عملیات حساب نشده» این آقایان! اینها اگر درست حساب کرده بودند، روز عید قربان شهر سقز هم بطور کامل به شهر بی طبقه تبدیل شده بود. ولی ...

شخص ثالثی که بدقت مشغول خواندن اعلامیه بود، سخنان وی را قطع کرد:

صبر! صبر! شما اعلامیه‌تان را تا آخر بخوانید. کومله، قاسملوئی‌ها را متهم کرده که شما یکوقت ماموستا (شیخ‌زادین) و کومله را به بی طبقه ساختن سنندج متهم می‌کردید، حالا خودتان مهاباد را بی طبقه ساخته‌اید و در سقز هم روز عید قربان خواستید بقایای طبقات بالا را ویران کنید و در ارومیه هم خواستید این کار را تکرار نمایید. طبقه‌زدائی را شما کرده‌اید نه ما و در طبقه‌زدائی‌تان درست‌تر، اصلاً ما شرکت نداشته‌ایم...

دو نفر اولی مات و متحیر مانده بودند که اگر از بین بردن طبقات بالا کار خوبی است، پس چرا هر کس میکوشد مسزلیت آنرا به کردن دیگری بیندازد و اگر کار بدی است، پس چرا ما معتقد به سرنگون کردن طبقات بالا و ایجاد جامعه بی طبقه و لااقل یک طبقه هستیم؟

یکی از حضار گفت: - حقیقتش را بخواهید، آرزوی خلق کرد اینست که شر هر دوی شما از سر او کوتاه شود!

امپریالیسم آمریکا به قصد خود برای مداخله در امور خلقها اعتراف می‌کند

در حالیکه مانور سپاه مداخله‌گر واکنش سریع آمریکا در صحرای های مصر ادامه دارد، امپریالیسم آمریکا همچنان ناوگان جنگی خود را در خلیج فارس تقویت می‌کند. وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است: «ناو هواپیما بر «ایندیپندنت» و کشتی جنگی دیگری برای تقویت ناوگان آمریکا راهی اقیانوس هند و خلیج فارس شده‌اند.»

افزایش بی سابقه بودجه نظامی آمریکا

انحصارات امریکایی همچنان افزایش بودجه نظامی را به مردم این کشور تحمیل می‌کنند، در بودجه سال ۱۹۸۱ که از تصویب کنگره آمریکا گذشته است حدود یکصد و پنجاه و نه میلیارد دلار به بودجه نظامی اختصاص یافته است، که این امر در تاریخ این کشور بی سابقه است. افزایش بودجه نظامی از طریق کاهش مخارج رفاهی مردم، یعنی از طریق فشار بیشتر به زحمتکشان این کشور تامین میشود.

افزایش تورم و کاهش تولیدات صنعتی در انگلستان

همراه با افزایش لجام گسیخته نرخ تورم در انگلستان، اقتصاد بیمار این کشور با کساد بی‌سابقه‌ای دست‌به‌گریبان شده است. بموجب آمار رسمی که در لندن منتشر شده است، تولیدات صنعتی انگلیس در دهم ماه اول سال جاری، نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۱۱ درصد کاهش یافته است، از سوی دیگر، بنابه همین آمار، میزان افزایش تورم در ۱۲ ماه گذشته ۱۵٫۴ درصد بوده است. دولت محافظه کار تاچر، که کارزار انحصارات انگلیسی است، تلاش دارد چنین وانمود سازد که گویا این میزان افزایش تورم، نشان‌دهنده کاهش سریع صعودی قیمت‌هاست!

همکاریهای رو به گسترش اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر

یک هیئت اقتصادی اتحاد شوروی برای مذاکره با رهبران الجزایر در زمینه‌های مختلف از جمله در رشته‌های معادن، نفت و غیره وارد این کشور شد. این هیئت درباره گسترش همکاریهای اقتصادی دو کشور و ایجاد صنایع کلیدی با رهبران الجزایر گفتگو می‌کند. قرار است با همکاری اتحاد شوروی یک کارخانه ذوب آهن به ظرفیت ۱۵ میلیون تن در سال در الجزایر ایجاد شود. رهبران جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر برای نوسازی اقتصادی کشور و رشد همه‌جانبه رفاه مردم الجزایر، از کمکهای همه‌جانبه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی برخوردارند.

نخست‌وزیر لهستان: تنها لهستان سوسیالیستی می‌تواند رشد مستقل لهستان را تضمین کند

یوزف پینکوفسکی، نخست‌وزیر لهستان در اجتماع گروهی از کارگران تاکید کرد: «اوضاع اقتصادی کشور همچنان متشنج است و تلاش برای سازمان دادن اعتصاب در اوضاع و احوال جاری اقدامی عاری از مسئولیت است.» پینکوفسکی گفت: «تنها لهستان سوسیالیستی با پیوندهای فزاینده با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر، می‌تواند رشد مستقل لهستان را تضمین کند.» از سوی دیگر دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کارگری متحده لهستان، در بی‌اجلاس خود اعلام کرده افزایش شدید دستمزدها از یکسو و عدم کارایی اقتصاد از سوی دیگر عامل اصلی عدم توازن کنونی در بازار است.

دیدار رهبران مجارستان و چکسلواکی

به‌مبارزه مشترک کشورهای سوسیالیستی در راه صلح و سوسیالیسم یاوش ۳۰ هزار رهبر مجارستان، به دعوت گوستاو هوزاک، رهبر چکسلواکی، از این کشور دیدن می‌کند. دوطرف در بیانیه مشترکی، لزوم همبستگی کشورهای سوسیالیستی را در مبارزه به‌خاطر سوسیالیسم و صلح مورد تاکید قرار دادند. دو کشور تاکید کردند برای امنیت و صلح در جهان تلاش خواهند کرد.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM
No. 377
24 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy *350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱/۳۵۰۱، منطقه
۱۴ پستی تهران